



## کتاب‌شناسی توصیفی ادبیات تطبیقی ۱۳۸۰-۱۴۰۴

حمیده لطفی نیا<sup>۱</sup>، مینو مرتضایی<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش به بررسی وضعیت منابع ادبیات تطبیقی در ایران می‌پردازد؛ چراکه اعتبار و روزآمد بودن منابع در کیفیت تحقیقات علمی، بسیار مؤثر است. با گسترش ادبیات تطبیقی در جهان و تولید پیوسته آثار در این حوزه، پژوهشگر با چالش ارزیابی منابع مواجه است؛ به‌ویژه در ایران که تعدد کتاب‌ها و مقالات با عنوان تطبیقی لزوماً به معنای اعتبار علمی نیست؛ بنابراین چهارچوب نظری و روش تحقیق، ضرورت اصلی برای قرارگرفتن در حوزه ادبیات تطبیقی است. این تحقیق با معرفی و نقد آثار منتشرشده با رویکرد توصیفی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴، به معرفی آن‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد که گاهی کمیت بر کیفیت غلبه دارد. انتخاب این آثار در سال‌های ذکرشده، به این دلیل است که قبل از آن چندین پژوهش انجام شده است. همچنین هدف این پژوهش کمک به شناخت منابع قابل اعتماد، پرهیز از پژوهش‌های تکراری و تبیین اهمیت منابع اصلی و ترجمه‌هاست؛ تا پژوهشگر این حوزه قبل از انجام تحقیق با مهم‌ترین آثاری که در این حوزه چاپ شده‌اند، آشنا شود.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، پژوهش، کتاب‌شناسی توصیفی، منابع

- دانش آموخته دکتری ادبیات تطبیقی و پژوهشگر انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران و عضو گروه مطالعاتی ادبیات تطبیقی آلبیتلا دانشگاه لیل - فرانسه  
hamideh.lotfinia@gmail.com
- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران  
minoomortzaee@gmail.com



## مقدمه

در هر پژوهشی انتخاب منابع به‌روز و معتبر، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا کتاب‌شناسی یک اثر می‌تواند چهارچوب نظری، روش تحقیق و پیشینه پژوهش را نیز به خواننده معرفی کند. واضح است که هرچه منابع استفاده‌شده در پژوهش از اعتبار علمی بیشتری برخوردار باشند، اثر تحقیقی ارزش بیشتری خواهد یافت. این امر در حوزه‌های بین‌رشته‌ای به‌دلیل درهم‌تنیدگی علوم مختلف، اهمیت بسزایی پیدا می‌کند که تحقیق در ادبیات تطبیقی از آن جمله است. سیر تحول ادبیات تطبیقی در غرب و منابعی که مدام در حال تولید است، دامنه کار را بسیار وسیع کرده است. انتشار آثار بی‌شماری که نام تطبیقی بر آن‌هاست، پژوهشگر را دچار این تردید می‌کند که آیا هر پژوهشی با عنوان تطبیقی می‌تواند منبعی موثق و به‌روز در این قلمرو باشد. در ایران از نظر کمیت، تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب تألیف و ترجمه شده است که عنوان تطبیقی را به همراه دارد؛ آیا پژوهشگر می‌تواند به همه این منابع به‌طور یکسان ارجاع دهد؟ در چنین بستری، کتاب‌شناسی توصیفی به‌منزله ابزاری بنیادی برای سامان‌دهی منابع و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، نقش اساسی ایفا می‌کند. در این پژوهش، نه‌تنها سعی کرده‌ایم منابع را گردآوری کنیم؛ بلکه فراتر از فهرست‌نویسی ساده با ارائه اطلاعات اندکی درباره هر منبع، امکان شناخت دقیق‌تر روندهای پژوهشی و خلأهای موجود در مطالعات تطبیقی را فراهم کرده‌ایم. با توجه به گستردگی موضوعات و تنوع رویکردها فقط به کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده و بیشتر به آن‌ها ارجاع می‌شود، پرداخته شده و به‌دلیل تعدد مقالات و نبود تجمیع نظام‌مند، به آن‌ها اشاره نشده است.

## معرفی پژوهش

مشکل اصلی ادبیات تطبیقی در ایران چنان‌که علیرضا انوشیروانی در مقاله «فاطمه سیاح و ادبیات تطبیقی در ایران: تأملی دیگر» (۱۴۰۲) اشاره می‌کند، مسئله‌مندی است. وی در این جستار تأکید می‌کند که هر پژوهشی که دو اثر را مقایسه کرده باشد، الزاماً در حوزه ادبیات تطبیقی نمی‌گنجد. از نظر او مسئله‌مندسازی با تکیه بر چهارچوب نظری و روش تحقیق اهمیت دارد؛ برای نمونه، پنج دهه است که از فاطمه سیاح به‌عنوان «بنیان‌گذار ادبیات تطبیقی در ایران» نام برده می‌شود؛ اما او نه تربیت‌شده این حوزه است و نه پژوهشی با سازوکار علمی ادبیات تطبیقی دارد. انوشیروانی فقدان ساختار و مرجعیت علمی را در این رشته، از مشکلات آن در ایران عنوان می‌کند و تعدد مجله‌های تخصصی و مقالات و کتاب‌هایی را که با عنوان ادبیات تطبیقی چاپ می‌شوند، نشان «بحران ادبیات تطبیقی در ایران» می‌داند. وی

در مقاله‌ای دیگر به آسیب‌شناسی این رشته در ایران پرداخته و دلایل عدم وجود رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های ایران را مطرح کرده است؛ درحالی‌که در جهان سال‌هاست این رشته به‌صورت آکادمیک تدریس می‌شود. مقاله دیگر وی (۱۳۸۹) با عنوان «ناسامانگی ادبیات تطبیقی در ایران» به بدفهمی‌ها و کژتابی‌ها در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی می‌پردازد. در این مقاله، انوشیروانی به پژوهش‌های نامرتبط با این حوزه اشاره می‌کند. مطالعه این چند مقاله، قبل از انجام هر پژوهشی، نگاه و سؤال متفاوتی را در ذهن پژوهشگر ایجاد می‌کند که آیا این پژوهش، مسئله‌ای را که تا به حال بدان پاسخ داده نشده است، حل می‌کند یا خیر.

### هدف تحقیق

این مقاله بر آن است تا علاوه بر معرفی آثار ادبیات تطبیقی به فارسی، تا حدودی به نقد آن‌ها نیز بپردازد. بدیهی است که تعداد زیاد مقالات، مانع از بررسی آن‌هاست؛ اما کتاب‌هایی که در محدوده سال‌های ۱۳۸۰ شمسی تا ۱۳۰۴ تألیف و ترجمه شده‌اند، موضوع اصلی این پژوهش هستند. بعضی از کتاب‌هایی که به آن‌ها اشاره شده است، به دلیل اتمام چاپ کتاب یا در دسترس نبودن، امکان گردآوری و تدوین خلاصه‌ای از آن‌ها وجود نداشت و موفق به معرفی کامل کتاب نشدیم. بعضی از کتاب‌ها فقط در چند نسخه توسط ناشری ناشناخته چاپ شده بود که حتی دفتری برای پاسخگویی نداشت و امکان دسترسی به نویسنده یا مترجم اثر هم وجود نداشت. همان‌طور که علی‌رضا انوشیروانی در مقاله «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران» مطرح می‌کند، با بحران غلبه کمیت بر کیفیت در آثار این حوزه مواجه هستیم؛ اما بنا به گفته وی، بنیاد ادبیات تطبیقی بر تحول استوار است؛ بنابراین می‌توان امیدوار بود که با روش نقد برپویایی این حوزه افزوده شود. مجید صالح‌بک (۱۳۸۷) و هادی نظری منظم نیز با نگاهی انتقادی به روند ورود و توسعه ادبیات تطبیقی در ایران، تلاش می‌کنند تا خلأهای نظری و عملی این حوزه را برجسته کنند. نویسندگان با بررسی دو مکتب اصلی ادبیات تطبیقی (فرانسوی و آمریکایی) نشان می‌دهند که ایران بیشتر تحت تأثیر رویکرد تاریخی و ترجمه‌محور بوده؛ بی‌آنکه به بنیان‌های نظری و بین‌رشته‌ای توجه کافی شود. آن‌ها با اشاره به آشفتگی مفهومی، فقدان چهارچوب‌های منسجم و ضعف در آموزش نظریه‌ها، وضعیت فعلی را ناکارآمد می‌دانند و خواستار بازنگری در شیوه‌های پژوهشی و آموزشی هستند.

بنابراین این کتاب‌شناسی گشودن راهی پیش پای پژوهشگران است؛ تا با توجه به کارهایی که در این زمینه انجام شده است، از کارهای مشابه یا تکرار

پژوهش‌های گذشته پرهیز کنند؛ زیرا این حوزه، نظر پژوهشگران را به خود معطوف کرده و تحقیقات پراکنده و گاه بی‌ربطی انجام شده است. به این منظور به چند اثری که پیش از این به جمع‌آوری منابع ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند، اشاره می‌کنیم. لازم به ذکر است که این آثار به منابع موجود در این حوزه تا دهه هشتاد شمسی پرداخته‌اند؛ بنابراین هدف نه‌فقط معرفی آثار، بلکه بررسی و نقد تعدادی از آنهاست که شاید در این حوزه اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. این تحقیق بر آن است راهی برای آیندگان باز کند تا پژوهش‌های تکراری و ضعیف صورت نگیرد و هر پژوهشی از نقطه صفر آغاز نشود.

### اهمیت و ضرورت

بدون شک می‌توان گفت عدم معرفی درست این رشته در ایران در گرو فقدان منابع قابل اعتماد به زبان فارسی است. هدف ما در این پژوهش گردآوری و معرفی منابعی است که در این حوزه نوشته شده‌اند؛ تا این رشته در ایران بهتر معرفی شود و علاقه‌مندان به این حوزه، دایره پژوهش خود را بدانند. بررسی بیش از پنجاه اثر تألیفی که بعضی از آنها توسط ناشران معروفی چاپ شده‌اند، نشان می‌دهد که صرف‌نظر از تعدادی از آثار قابل قبول، در دیگر پژوهش‌ها ضوابط و معیارهای علمی کمتر رعایت شده است؛ در نتیجه، این پژوهش سعی در معرفی آثاری دارد که می‌توانند به‌عنوان منبع قابل ارجاع باشند و ضرورت آنها در کتابنامه یک اثر پژوهشی غیرقابل انکار است؛ به‌ویژه از سال ۱۳۸۰ به بعد، هم‌زمان با تحولاتی چون گسترش برنامه‌های دانشگاهی مرتبط با ادبیات تطبیقی، افزایش ترجمه‌ها و تنوع موضوعات مورد بررسی در قالب پایان‌نامه‌ها و مقالات و کتاب‌ها، این نیاز بیشتر حس می‌شود.

از آنجاکه این رشته در فرانسه آغاز شده و در آمریکا گسترش پیدا کرده است، وجود منابعی به زبان اصلی در هر پژوهش تطبیقی لازم است. اهمیت مراجعه به این آثار وقتی مشخص می‌شود که با کارهای تألیفی‌ای مواجه می‌شویم که تکرار آثار دیگر یا کپی‌برداری و سرقت ادبی است؛ بنابراین، در بین آثار چاپ‌شده، ترجمه‌ها اهمیت بیشتری دارند؛ زیرا به پژوهشگرانی که با زبان‌های خارجی آشنایی چندانی ندارند، کمک می‌کند که آثار مدون به زبان‌های دیگر را بشناسند.

در این مقاله با اتکا به روش کتاب‌شناسی توصیفی، مجموعه‌ای از کتاب‌ها گردآوری شده است که با تحلیل آنها کوشش شده است چشم‌اندازی از وضعیت موجود، ترسیم و زمینه‌ای برای مطالعات تطبیقی دقیق‌تر و منسجم‌تر در آینده ایجاد شود.

## پیشینه تحقیق

«سیر ادبیات تطبیقی در ایران» (۱۳۸۴) رساله دکتری منصور پیرانی در رشته زبان و ادبیات فارسی و به راهنمایی سیروس شمیسا در دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی است. ویدا بزرگ‌چمی اطلاعات مقالات نشریات فارسی را از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۹۳ جمع‌آوری کرده و همچنین کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها را نیز گردآوری کرده است. در سال ۱۳۹۳ نیز کتاب‌شناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران توسط ایران‌زاده و دیگران (۱۳۹۳) در سه بخش و ۷۸۸ صفحه منتشر شده که بخش اول شامل گزارش توصیفی مقاله‌ها، بخش دوم گزارش توصیفی پایان‌نامه‌ها و بخش سوم گزارش توصیفی کتاب‌هاست و شامل ۷۲۷ مقاله، ۲۵۱ پایان‌نامه و ۷۵ عنوان کتاب است. از دیگر آثار می‌توان کتاب‌شناسی ادبیات تطبیقی میان ایران و جهان عرب را نام برد که به شکل مقاله‌ای در مجله ادبیات تطبیقی (نامه فرهنگستان) به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۹۶، در شهر اهواز چهارمین کنفرانس ملی مطالعات انگلیسی، با عنوان «آموزش و یادگیری و ادبیات و ترجمه» با ۱۶ عنوان مقاله برگزار شد که تعدادی از مقالات با محوریت ادبیات تطبیقی بود و در سال ۱۳۹۷ به صورت نمایه توسط سیویلیکا منتشر شد.

در ادامه به‌اختصار به معرفی آثار تألیفی و ترجمه‌شده ادبیات تطبیقی از ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ می‌پردازیم.

۱۳۸۵ - ۱۳۸۰

دیوید سن، الگا (۱۳۸۰). *ادبیات تطبیقی و شعر کلاسیک فارسی (هفت مقاله)*. ترجمه فرهاد عطایی، تهران: فرزانه روز.

الگا دیوید سن<sup>۱</sup> این کتاب را در هفت فصل نگاشته که در اصل هفت مقاله است: از روش‌شناسی تطبیقی شروع می‌کند و به داستان‌سرایی فردوسی می‌پردازد. قسمت‌هایی از این کتاب در مورد زنان شاهنامه و سوگواری‌های آنان است که به‌عنوان مثال به سوگواری ته‌مین در مرگ سهراب می‌پردازد. در بخشی، از سنت نقالی و جایگاه و اهمیت آن سخن می‌گوید. نویسنده به قهرمان شاهنامه هم می‌پردازد و لقب رستم تاج‌بخش را بررسی می‌کند. وی بر این باور است که روش‌شناسی تطبیقی می‌تواند ادبیات را بهتر معرفی کند و معتقد است که شواهد ادبیات، بعضی از مشکلات ادبیات تطبیقی امروز را روشن می‌کند؛ بنابراین از این روش استفاده می‌کند تا به انتقال مفاهیم شاهنامه کمک کند. در چهارچوب تئوری، نویسنده از

نظریات آلبرت لرد<sup>۱</sup>، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه هاروارد در شعر شفاهی و ژرژ دومزیل<sup>۲</sup>، اسطوره‌شناس و زبان‌شناس فرانسوی که یکی از نمایندگان ساختارگرایی تطبیقی در علوم اجتماعی است، استفاده می‌کند. در پایان نویسنده معتقد است که ادبیات فارسی به‌عنوان بخشی از تمدن ایرانی، سهم مهمی در مباحث انسانی دارد و با شواهدی که از شاهنامه نقل می‌کند، بر این مهم صحنه می‌گذارد.

**ولک، رنه؛ وارن، آستین (۱۳۸۰). نظریه ادبیات. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: نیلوفر**

این دو نویسنده در سال ۱۹۴۰ تصمیم گرفتند این کتاب را بنویسند که نگارش آن سه سال طول کشید و در ایران، از سال ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۰ به چندین چاپ رسید. هدف این دو نویسنده نگارش کتابی بود که ادبیات و نقد ادبی و تاریخ ادبیات را در برداشته باشد. از این کتاب و درباره این کتاب مقاله‌های زیادی به فارسی چاپ شده است و ویراستاری این اثر مهم توسط ابوالحسن نجفی آغاز شد و پس از فوت وی، به همت حسین معصومی همدانی به پایان رسید. بنا به گفته ضیاء موحد در پیشگفتار کتاب، مترجمان علاوه بر نسخه انگلیسی، از ترجمه‌های دیگر کتاب به زبان‌های آلمانی و فرانسه و عربی هم کمک گرفته‌اند. این کتاب در بیست فصل و چهار بخش به جنبه‌های مختلف تاریخ، نقد و نظریه‌های ادبی پرداخته و با دو رویکرد بیرونی و درونی تحلیل کرده؛ بنابراین فقط در بخش‌هایی از آن به ادبیات ملی و تطبیقی پرداخته است. در بخش بیرونی به حضور ادبیات در جامعه و ارتباط آن با انسان پرداخته شده و ارتباط ادبیات با هنرهای دیگر بررسی شده است. در مطالعه درونی ادبیات، به سبک‌شناسی و بررسی تصویرها و اسطوره‌ها، توجه و به انواع ادبی پرداخته شده است. در پایان کتاب، یادداشت‌ها و منابع به تفکیک فصول آمده است.

**کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲). ادبیات تطبیقی (پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر روایی). ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: به‌نشر**

این کتاب مانند سایر آثار حوزه ادبیات تطبیقی، ابتدا مفهوم و کلیات ادبیات تطبیقی را معرفی می‌کند؛ سپس با مقدمه‌ای در باب هنر و ذوق هنری وارد مبحث شعر روایی می‌شود. نویسنده ابتدا به معرفی و بررسی شعر روایی در ادبیات غرب می‌پردازد و از هومر آغاز می‌کند و تا پایان قرون وسطی پیش می‌رود. بخش سوم

1. Albert Bates Lord
2. Georges Dumézil

کتاب، شعر روایی در ادبیات ملل مسلمان را مورد بحث قرار می‌دهد. نویسنده در این بخش سیر تحول تمام قالب‌های شعری در دوره‌های مختلف را به همراه آثار برجسته هر دوره بررسی کرده است.

### نامورمطلق، بهمن (۱۳۸۴). آئینه آب. تهران: همشهری

این اثر که زیرعنوان «تأثیرپذیری پانزده نویسنده غربی از شاعران ایرانی» را به همراه دارد، در سه بخش آلمانی، فرانسه و انگلیسی به نگارش درآمده و در هر یک به پنج نویسنده پرداخته است. محمود حدادی از آدم الئاریوس<sup>۱</sup>، اولین مترجم گلستان سعدی به زبان آلمانی، نوشته و از زندگی او و سفرش به شرق گفته است؛ سپس به زندگی و سیر آشنایی ادیب نامدار آلمانی در قرن هجدهم، گوته، با شرق و حافظ می‌پردازد و سپس هامرپورگشتال<sup>۲</sup> را به‌عنوان پیشاهنگ شرق‌شناسی در کشورهای آلمانی‌زبان معرفی می‌کند. حدادی از هامر به‌عنوان پژوهشگری پرکار یاد می‌کند که کمبود دقت علمی دارد؛ اما به سردبیری او در مجله شرق‌شناسی و ترجمه کامل دیوان حافظ به آلمانی به‌عنوان کارهای مهم او اشاره می‌کند. ادیب دیگر آلمانی که توسط حدادی معرفی می‌شود، فردریش روکرت<sup>۳</sup> است که از طریق دیوان شرقی - غربی گوته، با شرق آشنا می‌شود و سعی می‌کند قالب غزل فارسی را به آلمانی درآورد و غزلیات مولوی، شاعر بلندآوازه ایرانی را که گوته در آثارش به او چندان التفاتی نداشته است، ستایش می‌کند. در پایان بخش آلمانی، حدادی به روایت هاینریش هاینه<sup>۴</sup> از داستان فردوسی و سلطان محمود می‌پردازد. در بخش فرانسه نیز نامورمطلق به پنج نویسنده که متأثر از فرهنگ و ادبیات ایران بوده‌اند، اشاره می‌کند؛ البته خاطرنشان می‌کند که این فهرست می‌تواند طولانی‌تر از این‌ها باشد. او ابتدا از ویکتور هوگو<sup>۵</sup> صحبت می‌کند و از توجه وی به فرهنگ ایران و زرتشت و پادشاهان ایران باستان می‌گوید. وی ایران را چون بهشتی توصیف می‌کند که نغمه‌سرایانی چون حافظ و سعدی دارد؛ سپس از موریس بارس<sup>۶</sup> و اشتیاق فراوان او برای دیدن ایران که ناشی از آشنایی او با گلستان سعدی است، سخن می‌گوید و حضور اندیشه عرفانی مولوی را در آثار او با نقل قول‌هایی از ابن اندیشمند فرانسوی نشان می‌دهد. نامورمطلق از نویسنده دیگری چون آندره ژید<sup>۷</sup> نام می‌برد و حضور

1. Adam Olearius
2. Joseph von Hammer
3. Friedrich Johann Michael Rückert
4. Harry Heine
5. Victor Hugo
6. Maurice Barrès
7. André Gide

اندیشه‌ی شاعران کلاسیک ایران را در آثار او پررنگ می‌بیند. پس از آن حامد فولادوند، هانری دو مونترلان<sup>۱</sup>، یکی از چهره‌های ادبیات قرن بیستم فرانسه را معرفی می‌کند که علی‌رغم روحیه‌ی نظامی‌اش، به ادبیات عرفانی ایران بسیار علاقه داشت و لویی آراگون<sup>۲</sup> که از کودکی و دوران مدرسه، ادبیات ایران را مطالعه می‌کرد و علاوه بر خیام، حافظ و سعدی به نظامی و جامی هم علاقه وافری داشت و از آن‌ها در آثارش یاد می‌کرد. در بخش سوم کتاب، امیرعلی نجومیان به نویسندگان آمریکا و انگلیس اشاره می‌کند و سیر ادبیات ایران در انگلیس را به چند دوره تقسیم می‌کند: ابتدا اروپای قرون وسطی و پس از آن ارتباط بین انگلیس و هندوستان که باعث آشنایی انگلیسی‌ها با زبان فارسی شد و از این طریق با ادبیات ایران آشنا شدند. در قرن نوزدهم، شعر حافظ در اروپا بر سر زبان‌ها افتاد و ترجمه‌های زیادی از آن شد؛ اما در آمریکا این آشنایی به پایان قرن هجدهم بازمی‌گردد که چند غزل از حافظ و سعدی در مجلات آمریکایی چاپ می‌شود؛ سپس ترجمه‌ی فیتز جرالده<sup>۳</sup> از خیام توجه جامعه‌ی انگلیسی‌زبان را به خود جلب کرد. در قسمت بعد، کیان سهیل، شاعر قرن نوزدهم انگلستان، ماتیو آرنولد<sup>۴</sup> را معرفی می‌کند که از طریق سفرنامه‌ها با ایران آشنا می‌شود؛ سپس داستان رستم و سهراب را می‌خواند و با الهام از این داستان اشعاری می‌نویسد که یکی از بهترین اشعار اقتباسی در قرن نوزدهم به شمار می‌رود. در بخش بعدی، شیده احمدزاده هروری به اهمیت ترجمه‌های امرسون<sup>۵</sup> از شعر ایران می‌پردازد و نام او را در شمار علاقه‌مندان ادبیات ایران، مثل گوته و فیتز جرالده می‌داند که شعر ایران الهام بخش آن‌ها بود. در سه فصل پایانی، امیرعلی نجومیان به ارتباط سه شاعر و ادبیات ایران اشاره می‌کند. تینسون<sup>۶</sup> و آشنایی او با زبان و ادبیات فارسی و علاقه‌ی وافری به حافظ و خیام، فیتز جرالده که با ترجمه‌ی خود از خیام، نام خود و این شاعر ایرانی را در تاریخ ادبیات انگلستان جاودانه کرد و در پایان توماس مور<sup>۷</sup>، شاعر ایرلندی را معرفی می‌کند که داستانی به نام «لاله‌رخ» نوشته است و در آن یک ماجرای عاشقانه شرقی را بیان می‌کند. آنچه که از این کتاب ۲۴۶ صفحه‌ای گفته شد، خلاصه‌ای بود از همکاری چند پژوهشگر که معرفی نسبتاً خوبی از ارتباط ادبیات فارسی و ادبیات اروپا و آمریکا ارائه دادند و چشم‌اندازی از حضور ادبیات فارسی در جهان ادبی در اختیار خواننده نهادند. نسخه

1. Henry de Montherlant
2. Louis Aragon
3. Fitzgerald
4. Matthew Arnold
5. Emerson
6. Alfred Lord Tennyson
7. Sir Thomas More

دیگری از این پژوهش در سال ۱۳۸۸، یعنی چهار سال بعد توسط همین نویسندگان به نگارش درآمده با عنوان *آیینۀ آفتاب* که فقط در ارتباط با مولانا و حضور وی در ادبیات اروپا و آمریکاست و تحقیقی موردی و جامع‌تر است. در این اثر نیز نویسندگان در حوزه‌های فرهنگی آلمان، انگلیس، آمریکا و فرانسه به بررسی اشعار و شخصیت بینافرهنگی مولانا پرداخته‌اند. پژوهشگر ادبیات تطبیقی بر این باور است که می‌تواند این ارتباط را نشان دهد و به احیای روابط انسانی کمک کند.

### ابوالوی، ممدوح (۱۳۸۵). *پژوهش تطبیقی: تأثیر داستایوفسکی در ادبیات عرب*. ترجمه علی نظری و علی عزیزنیا، لرستان: دانشگاه لرستان

این کتاب در چهار فصل به تأثیر نویسنده قرن نوزدهم روسیه بر ادبیات عرب پرداخته است. نویسنده این اثر، مانند دیگر آثار در ادبیات تطبیقی، به تاریخچه این رشته و مکاتب آمریکایی و فرانسوی اشاره می‌کند و سپس با ارائه مثال‌هایی از تأثیر ادبیات روسیه بر ادبیات عرب می‌گوید و به اثر متقابل قرآن بر آثار نویسندگان روس، از جمله پوشکین<sup>۱</sup> اشاره می‌کند. از ادبای معاصر عرب، به جبران خلیل جبران و نجیب محفوظ و میخائیل نعیمه اشاره می‌کند و از قرن هجدهم و نوزدهم روسیه به الکساندر پوشکین و داستایوفسکی می‌پردازد؛ بنابراین آنچه‌ای که عنوان اثر نشان می‌دهد، این مقایسه فقط به تأثیر داستایوفسکی اشاره نکرده است؛ بلکه به مفهوم محبت و فقر و سیمای پدر از نگاه روان‌کاوی در آثار این نویسندگان می‌پردازد. واضح است که وجود این همه مفاهیم کلیدی و مهم در یک کتاب ۱۶۰ صفحه‌ای، بیشتر از آنکه پژوهشی تطبیقی باشد، عنوان‌هایی است برای تأمل و تحقیق بیشتر در آثار این نویسندگان.

### تاوارانی، ناهوگو (۱۳۸۵). *ادبیات تطبیقی مار و کاج: سمبل‌های جاودان در ادبیات فارسی و ژاپنی*. تهران: بهجت

کتاب حاضر پایان‌نامه دکترای نویسنده است که در حوزه تطبیقی نگاشته شده و به دو سمبل مار و کاج در ادبیات معاصر و کلاسیک فارسی و ژاپنی پرداخته است. نویسنده ابتدا ریشه‌های این دو سمبل را از نظر تاریخی، اسطوره‌ای و دینی در فرهنگ ایران و ژاپن بررسی می‌کند؛ سپس به کاربرد آن در ادبیات کلاسیک، معاصر و عامیانه ایران و ژاپن می‌پردازد. به زعم وی، هر دوی این سمبل‌ها با اسطوره‌ها پیوند خورده‌اند و ریشه‌های مار و درخت کاج به سمبل مشترک مرگ و زندگی می‌رسند؛ البته نویسنده، آن‌گاه که از مار سخن می‌گوید، از اردها هم سخن

می‌گوید و در زیرمجموعهٔ درخت کاج به درخت‌های مهم دیگر، از جمله صنوبر و سرو هم می‌پردازد. این کتاب از این نظر حائز اهمیت است که به منابعی اشاره می‌کند که به زبان فارسی ترجمه نشده‌اند و به تازگی این پژوهش کمک کرده‌اند.

۱۳۸۶-۱۳۹۰

**شورل، ایو (۱۳۸۶). ادبیات تطبیقی. ترجمهٔ طهمورث ساجدی، تهران: امیرکبیر**

این کتاب که از فرانسه ترجمه شده، به معرفی و تاریخچه و جریان‌های ادبیات تطبیقی در این کشور پرداخته است. نویسنده، در چندین فصل، به نقش نقد و ترجمه در این رشته پرداخته؛ سپس ارتباط ادبیات تطبیقی را با سایر علوم، مثل موسیقی، سینما و هنرهای تجسمی نشان داده است. در این میان، روایت، نمایش و نگارش زنانه از مسائلی است که در کنار تخیل و تصویرگری به آن پرداخته است. حتی به کشورهای انگلیسی‌زبان و آلمان هم پرداخته و تعداد زیاد منابعی که به آن‌ها در متن کتاب اشاره کرده، باعث شده است که خواننده نتواند متن را پیگیری کند و ترجمه در متن سخته ایجاد کند. در انتها، نویسنده تأکید می‌کند که تطبیق‌گر راه درازی در پیش دارد و تغییر دادن تفکراتی که به‌شیوهٔ کلاسیک در ادبیات وجود دارد، بدون به‌چالش کشیدن عقاید جاری و پذیرفته‌شده، تحقق نمی‌یابد.

**امین مقدسی، ابوالحسن (۱۳۸۷). ادبیات تطبیقی با تکیه بر مقارنهٔ ملک‌الشعرا بهار و امیرالشعرا احمد شوقی. تهران: مؤسسهٔ چاپ و دانشگاه تهران**

این کتاب به بررسی شعر دو شاعر ایرانی و مصری پرداخته است: ملک‌الشعرا محمدتقی بهار، شاعر معاصر ایرانی و احمد شوقی، شاعر قرن نوزدهم قاهره. نویسنده به تأثیر دین و قرآن در آثار هر دو اشاره می‌کند و این موضوع را عامل مؤثری در یگانگی مضامین اشعار این دو شاعر می‌داند. موضوع دیگری که از نظر نویسنده دلیل این مقایسه ذکر شده، اشعار اجتماعی این دو شاعر و سرنوشت تاریخی مشترک آن‌هاست. در فصل اول کتاب، مانند دیگر کتاب‌هایی که در این حوزه در ایران نگاشته شده است، نویسنده از تعاریف کلی ادبیات تطبیقی سخن می‌گوید و به مکتب آمریکایی، فرانسوی و آلمانی به‌اختصار اشاره می‌کند؛ سپس از ادبیات تطبیقی در جهان عرب می‌گوید و در فصل بعد، به حضور و تأثیر قرآن در ادبیات فارسی می‌پردازد. در دو فصل انتهایی از زندگی و شعر دو شاعر سخن می‌گوید. در پایان، این دو شاعر را با هم مقایسه می‌کند؛ بنابراین، کتاب بیشتر به مباحث فرعی می‌پردازد و فقط ۱۰ صفحهٔ پایانی کتاب (فصل ششم) به این مقایسه، یا به قول نویسنده که در عنوان از واژهٔ مقارنه استفاده کرده، پرداخته است.

دادور، ایلمیرا (۱۳۸۸). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*. تهران: سمت

*L'Initiation à la littérature comparée*, Elmira Dadvar, Téhéran, 2009.

نویسنده دو کتاب به زبان فرانسه در ارتباط با ادبیات تطبیقی نوشته است که هر دو در انتشارات سمت به چاپ رسیده‌اند و به‌عنوان منابع دانشگاهی در رشته ادبیات فرانسه معرفی می‌شوند. کتاب *درآمدی بر ادبیات تطبیقی* از شش فصل تشکیل شده که در فصل نخست به تاریخچه این رشته در فرانسه اشاره شده و در فصل بعدی فهرستی از بزرگان این رشته و شخصیت‌های تأثیرگذار در ایران و فرانسه آمده است. فصل سوم از ترجمه و ارتباط زبان‌ها در متون ادبی سخن به میان آمده و در سه فصل پایانی به نظریات مهم در این رشته و معرفی نظریه‌پردازان پرداخته است. این کتاب همان‌گونه که از نامش پیداست، مقدمه‌ای بر ادبیات تطبیقی است و دانشجویان علاقه‌مند به این رشته را با اصطلاحات و برخی از نظریه‌های این رشته به زبان فرانسه آشنا می‌کند.

فریدریش، ورنر پاول؛ ملون، دیوید هنری (۱۳۸۸). *چشم‌انداز ادبیات تطبیقی غرب: از دانته تا یوجین اونیل*. ترجمه نسرين پروینی، تهران: سخن

نویسنده از عهد کهن شروع می‌کند، به رنسانس می‌رسد و تا قرن بیستم پیش می‌رود. او مکتب‌های ادبی را بررسی می‌کند و در شش فصل به تأثیر هر یک بر دیگری می‌پردازد. پیش از این، پل وان تیگم<sup>۱</sup> پژوهشی با همین موضوع به نام *تاریخ ادبیات اروپا و آمریکا از رنسانس تا زمان ما* انجام داده است؛ اما تفاوت این کار در این است که فقط به ذکر شباهت‌ها نپرداخته و به ارتباط بین ادبیات و ملت‌ها هم پرداخته است و نویسنده علاوه بر اینکه ادبیات غرب را بررسی می‌کند، به چند ترجمه از *دیوان حافظ* و خیام و تأثیر این دو شاعر بر آثار غربی نیز اشاره می‌کند. این کتاب کشمکش‌های پیاپی بین نژاد و ملیت در اروپا را نشان می‌دهد و ارزش‌های فرهنگی و ادبی دوره‌های مختلف را به نمایش می‌گذارد.

جمال‌الدین، محمدسعید (۱۳۸۹). *ادبیات تطبیقی: پژوهش تطبیقی در ادبیات عربی و فارسی*. ترجمه حسین کیانی و سعید حسام‌پور، شیراز: دانشگاه شیراز  
این کتاب از دو باب تشکیل شده است: باب نخست به ادبیات تطبیقی و ادبیات اسلامی می‌پردازد و باب دیگر موضوعاتی را در ادبیات تطبیقی معرفی می‌کند. نویسنده ابتدا به پیشینه و اهمیت ادبیات تطبیقی اشاره می‌کند و پس از آن به تأثیر و تأثر و زمینه‌های پژوهش در این حوزه در ادبیات عرب و اسلامی می‌پردازد و

1. Paul Van Tieghem

معتقد است ادبیات اسلامی طی سال‌ها بر ادبیات اروپایی تأثیر داشته که البته دلایل مستندی ارائه نمی‌دهد. در باب دوم چندین اثر مهم را در حوزه تطبیقی مطرح می‌کند که از آن جمله *جاویدنامه* اقبال لاهوری، *بهشت گمشده* فاوست و *کمدی الهی* است و حتی با شیفتگی بسیاری که نسبت به خیام دارد، یک فصل از کتابش را به خیام اختصاص می‌دهد؛ سپس به حکایت لیلی و مجنون در ادبیات فارسی و عربی می‌پردازد و موضوع ترجمه را مطرح می‌کند. این اثر مانند بسیاری از آثار جهان عرب در حوزه ادبیات تطبیقی، مادام دواستال<sup>۱</sup> را پیشگام این رشته در فرانسه می‌داند و بر این باور است که فرانسویان فقط به مبحث تأثیر و تأثر اهمیت می‌دهند. از طرفی آمریکا را کشوری سرمایه‌داری معرفی می‌کند که به فردگرایی ارزش می‌دهد و به مفاهیم تاریخی و قومی وقعی نمی‌نهد. البته که این باور بسیار قدیمی است و تنوع پژوهش‌های ادبیات تطبیقی در جهان نشان می‌دهد که آنچه زمانی مکتب فرانسه یا مکتب آمریکا گفته می‌شد، امروزه مطرح نیست؛ از این‌رو، با توجه به تحول روزافزون این رشته در دنیا، پژوهش انجام‌شده مطلب نو و راهگشایی را در زمینه ادبیات تطبیقی معرفی نمی‌کند.

#### نامور مطلق، بهمن؛ کنگرانی، منیژه (۱۳۸۹). *دانش‌های تطبیقی*. تهران: سخن

این کتاب شامل چند سخنرانی و مقاله در حوزه تطبیقی است و شامل موضوعات فلسفه تطبیقی، زبان‌شناسی تطبیقی، حقوق تطبیقی، اسطوره‌شناسی تطبیقی و ادبیات تطبیقی است. نویسندگان بر این باورند که دانش‌های تطبیقی باعث می‌شوند که دانشمندان فقط خود را محدود به رشته خاص نکنند و به شاخه‌های مختلف توجه کنند. در این اثر، نویسندگان به تفاوت دانش‌های تطبیقی و مطالعات تطبیقی نیز اشاره می‌کنند و به این امر اذعان دارند که عمر مطالعات تطبیقی طولانی است و شکل اولیه همه پژوهش‌هایی است که در آن‌ها چند پیکره مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این حیث، دانش‌های تطبیقی شبیه به مطالعات تطبیقی هستند؛ اما از نظر ساختار متفاوت هستند.

#### ساجدی، طهمورث (۱۳۸۹). *تاریخ ایران‌شناسی در فرانسه*. تهران: سفیر اردهال

نویسنده در این کتاب به ادوار مهم تاریخی زبان فارسی در فرانسه پرداخته است و به رنسانس شرقی اشاره می‌کند. این کتاب که از شش فصل تشکیل شده است، حضور ایران و زبان فارسی را در تاریخ فرانسه نشان می‌دهد و حتی فرانسه قرن بیستم را به همراه رویدادهای تاریخی و باستان‌شناسی ایران معرفی می‌کند.

از سوی دیگر به کشیش‌هایی که از طرف پاپ و دومینکن‌ها برای تبلیغ دین مسیحیت به ایران می‌آمدند، اشاره می‌کند که در ایجاد ارتباط فرهنگی، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. همچنین به ایران‌شناسانی اشاره می‌کند که در معرفی ایران نقش مهمی داشته و آثار مهم کلاسیک را ترجمه کرده‌اند؛ مانند هانری ماسه<sup>۱</sup>، گوینو<sup>۲</sup>، لویی ماسینیون<sup>۳</sup> و...؛ سپس به بنیادهایی در فرانسه اشاره می‌کند که در آن زبان فارسی تدریس می‌شود و برای شکل‌گیری آن‌ها دولت فرانسه کسانی را به ایران می‌فرستاد تا فارسی یاد بگیرند و بتوانند در آن کشور به آموزش بپردازند. اهمیت این کتاب در حوزه ادبیات تطبیقی از این‌روست که به ارتباط فرهنگی و ادبی دو کشور در خلال اتفاقاتی که در تاریخ هر دو کشور افتاده است، اشاره می‌کند. بخش پایانی کتاب به دو موضوع کتاب‌شناسی فارسی و فرانسه پرداخته است.

محمدی، ابراهیم (۱۳۸۹). *مبانی نظری ادبیات تطبیقی (فارسی - عربی)*. بیرجند: قهستان

کتاب *مبانی نظری ادبیات تطبیقی (فارسی - عربی)* اثر دکتر ابراهیم محمدی، یکی از نخستین تلاش‌های منسجم در ایران برای تبیین نظریه‌های ادبیات تطبیقی میان دو حوزه زبانی و فرهنگی فارسی و عربی است. این اثر در دو بخش اصلی تنظیم شده است: بخش نخست به مباحث بنیادین نظری، مانند تعریف ادبیات تطبیقی، تاریخچه، شاخه‌ها، مکاتب برجسته (فرانسوی، آمریکایی و جهانی) و مفاهیمی چون ادبیات ملی، نقد نفوذ و ادبیات عمومی می‌پردازد. بخش دوم به بررسی عوامل تاریخی و اجتماعی، مانند جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و تعاملات سیاسی می‌پردازد که زمینه‌ساز دادوستدهای ادبی میان فارسی‌زبانان و عرب‌زبانان تا قرن هفتم هجری بوده‌اند. نقطه قوت کتاب، تأکید آن بر این نکته است که زبان به‌تنهایی نمی‌تواند مرزهای ادبیات ملل را تعیین کند؛ بلکه باید به مؤلفه‌های فرهنگی، هویت ملی و روح آثار توجه کرد. با این حال، نقدی که می‌توان به کتاب وارد کرد، این است که علی‌رغم پرداختن به مبانی نظری، در ارائه نمونه‌های تطبیقی عینی و تحلیل‌های موردی از متون فارسی و عربی کم‌فروغ عمل کرده و بیشتر در سطح کلیات باقی مانده است. همچنین، کتاب از نظر ساختار پژوهشی و ارجاع به منابع بین‌المللی می‌توانست غنی‌تر باشد؛ تا ارتباط آن با جریان‌های جهانی ادبیات تطبیقی پررنگ‌تر شود. با این حال، برای پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعات تطبیقی

1. Henri Massé
2. Joseph Arthur de Gobineau
3. Louis Massignon

در حوزه زبان‌های اسلامی، این کتاب نقطه‌شروعی ارزشمند و قابل تأمل است.

ساجدی، طهمورث (۱۳۹۰). *از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی (مجموعه مقالات)*. تهران: امیرکبیر (این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۸۷ چاپ شده است) همان‌گونه که در عنوان آن ذکر شده است، این کتاب تعدادی از مقالات نویسنده است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده‌اند. این مجموعه دو بخش است: بخش اول مربوط به ادبیات تطبیقی و بخش دوم در ارتباط با نقد ادبی نوشته شده است. در بخش نخست، نویسنده ضمن نقدی که بر کتاب *ادبیات تطبیقی* غنیمی‌هلال نوشته، به معرفی و تاریخچه ادبیات تطبیقی پرداخته است. او که خود دانش‌آموخته این رشته از کشور فرانسه است، پیشینه ادبیات تطبیقی را در این کشور با ارائه نظرات و انتقادهای کسانی همچون رنه و لک<sup>۱</sup> بررسی کرده است. در بخش دوم، ابتدا در مورد کتاب *مکتب‌های ادبی اثر سیدحسینی* دو مقاله نگاشته و سپس اندیشه‌های رولان بارت<sup>۲</sup> و تحول نقد در فرانسه را مورد کنکاش قرار داده است.

دادور، ایلمیرا. *تصویرشناسی (۱۳۹۰)*. تهران: سمت

*Imagologie*, Elmira Dadvar, Téhéran, 2011.

کتاب دیگر نویسنده به زبان فرانسه در ارتباط با تصویرشناسی است که آن هم در شش فصل تنظیم شده است. فصل اول به تصویرهای مختلف و نشانه‌هایی که تصویرها را می‌سازند، اختصاص دارد. در فصل بعد با ارائه مثال‌هایی، به ارتباط بین تصویرها و نشانه‌ها اشاره می‌کند؛ از رمان *دن کیشوت* تا سفرنامه‌های پیر لوتی<sup>۳</sup> و نیکولا بوویه<sup>۴</sup> به کلیشه‌ها و تصویرها و فانتزی‌ها اشاره می‌کند. فصل چهارم به‌طور مشخص به سفرنامه‌های مختلف اختصاص دارد و در فصل پنجم تصویرهای سینمایی و اقتباس‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده در فصل پنجم به زمینه‌های قابل پژوهش در تصویرشناسی اشاره می‌کند و به تصویرهای هویتی و اگزوتیسم در رمان می‌رسد. این کتاب به عنوان جزوه‌ی درسی برای دانشجویان ادبیات آشنا به زبان فرانسه بسیار مفید است؛ زیرا با کلمات و اصطلاحات تصویرشناسی به فرانسه، در ادبیات تطبیقی آشنا می‌شوند.

1. René Wellek
2. Roland Barthes
3. Pierre Loti
4. Nicolas Bouvier

### آذر، امیراسماعیل (۱۳۹۰). *حافظ در آن سوی مرزها*. تهران: سخن

زیر عنوان این کتاب آمده است: پژوهشی در ادبیات تطبیقی. فصل اول کتاب در مورد حافظ و زندگی اش است و در فصل دوم از آشنایی اروپاییان با حافظ و چگونگی نفوذ شاعران ایرانی در اروپا سخن گفته شده است. آنچه در این قسمت‌ها آمده، خلاصه‌ای است از پژوهش‌های شجاع‌الدین شفا در کتاب *ایران در ادبیات جهان* که در سال ۱۳۳۳ به چاپ رسیده است و اثر دیگرش *ایران در اسپانیا* که به نقش ایران در تمدن و فرهنگ اسپانیا و اروپا اشاره می‌کند. البته نویسنده به آن ارجاع می‌دهد؛ اما خواندن آن دو اثر وزین، ما را از مطالعه این کتاب بی‌نیاز می‌کند. همچنین کتاب دیگری که گویی در این بخش خلاصه‌ای از آن نیز آمده است، از سعادی تا آراگون جواد حدیدی است. این فصل شامل معرفی و یکی‌پدیایی چند سفرنامه‌نویس و مستشرق اروپایی است. فصل سوم که حافظ در آن غایب است، به معرفی مکتب رومان‌تیسیم در اروپا پرداخته است. فصل چهارم که عنوان آن «حافظ در اروپا» است به بررسی چند ترجمه از حافظ پرداخته که بارها پژوهش‌هایی از این دست انجام شده است. در فصل پنجم به مترجمان آمریکایی که به سراغ ترجمه حافظ رفته‌اند، اشاره شده و به مقایسه ترجمه‌ها پرداخته شده که در نهایت باز هم موضوع آن ترجمه‌پژوهی است، نه ادبیات تطبیقی. به‌طور کلی این کتاب بیشتر بر منابع دست دوم استوار است.

### ژون، سیمون (۱۳۹۰). *ادبیات عمومی و ادبیات تطبیقی، رساله راهبردی* (۱۳۹۰).

ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت

کتاب پیش‌رو رساله‌ای آموزشی است که به‌صورت نظری و پایه به ادبیات تطبیقی پرداخته است. نویسنده ابتدا به تعریف و توصیف مفاهیم ادبیات ملی و ادبیات عمومی و مرزبندی میان آن‌ها می‌پردازد؛ سپس چگونگی شکل‌گیری ادبیات تطبیقی و تمایز آن و مرزهایی را که میان ادبیات تطبیقی و ادبیات عمومی وجود دارد، بیان می‌کند. فصل چهارم این اثر به خوانش متن و چگونگی مواجهه یک پژوهشگر تطبیقی با متن اشاره دارد که می‌توان گفت نقطه عطف این رساله آموزشی است. در فصل نهایی، نویسنده چشم‌اندازی از مطالعات تطبیقی را برای پژوهشگر ترسیم می‌کند.

### حمود، ماجد (۱۳۹۰). *رویکردهای کاربردی در ادبیات تطبیقی*. ترجمه مجتبی

شاهسونی، تهران: روزگار

ماجد حمود در این اثر تلاش کرده است با بررسی آثار ادبی مختلف در

حوزه مطالعات تطبیقی، از جمله تصویرشناسی، اثری نو در باب پژوهش‌های تطبیقی ارائه دهد. در این اثر نویسنده با بیان تأثیر اسطوره، تأثیر رمان غربی بر رمان عربی، جایگاه رمان عربی در دنیای مدرن، مطالعه آثار برجسته ادبیات عرب و روس و همین‌طور تصویر شرق در ادبیات غرب، اثری متفاوت خلق کرده است که در حوزه پژوهش‌های تطبیقی راهگشاست.

۱۳۹۵-۱۳۹۰

محسنی‌نیا، ناصر (۱۳۹۳). *ادبیات تطبیقی در جهان معاصر (کلیات، مبانی نظری، مکاتب)*. تهران: علم و دانش

کتاب پیش‌رو را می‌توان در دسته آثاری قرار داد که بیشتر جنبه آموزشی داشته است و سعی در معرفی ادبیات تطبیقی و ظهور آن در نقاط مختلف دنیا دارد. این اثر شامل ۱۵ فصل است که با کلیاتی درباره ادب و ادبیات آغاز می‌شود و با تعریف ادبیات تطبیقی ادامه پیدا می‌کند و به اهمیت و ضرورت این حوزه پرداخته می‌شود. در ادامه نویسنده از پیشینه جهانی ادبیات تطبیقی و ظهور آن در نقاط مختلف جهان، از جمله ایران سخن می‌گوید و پژوهشگرانی که در این حوزه فعالیت داشته‌اند را معرفی و آثار آنان را بررسی می‌کند. فصل‌های انتهایی این اثر ابعاد و موضوعات پژوهشی موجود در این حوزه را دربرمی‌گیرد که یکی از این فصول به مطالعات تطبیقی در ادبیات ایران و عرب اشاره دارد. نویسنده در کتابی ۶۰۰ صفحه‌ای تمام مطالب چالش‌برانگیز در ادبیات تطبیقی را مطرح می‌کند که طبیعتاً نگاهی گذرا به آن‌ها دارد.

سالمن پراور، زیگبرت (۱۳۹۳). *درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی (با اصلاحات)*. ترجمه علی‌رضا انوشیروانی و مصطفی حسینی، تهران: سمت

این کتاب که اولین بار در سال ۱۳۹۳ منتشر شده، تاکنون چندین بار تا سال ۱۴۰۱ به چاپ رسیده است و در آخرین چاپ نیز اصلاحاتی در ترجمه آن توسط مترجمان صورت گرفته است. پراور معتقد است که شناخت ادبیات ملی بدون آشنایی با ادبیات سایر ملل میسر نیست. او از بحث تأثیر و تأثر و مشابهت ادبی در حوزه ادبیات تطبیقی شروع می‌کند و از ترجمه و اقتباس، به سوی حوزه‌های جدید می‌رود و به اختصار به هر یک می‌پردازد. از آنجاکه این کتاب، جزء منابع درسی در دانشگاه‌های انگلیسی‌زبان است و مخاطب آن دانشجویان هستند، با ذکر مثال‌هایی نظریه‌ها و روش‌های تحقیق را نشان می‌دهد تا برای دانشجو روشن تر باشد.

رادفر، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *کتابشناسی توصیفی ادبیات تطبیقی*. تهران: طهورا

کتابشناسی‌ها از جمله مواردی هستند که همیشه به پژوهشگران آن رشته کمک می‌کنند و مانع از پژوهش‌های تکراری می‌شوند. در زمینه ادبیات تطبیقی همیشه این ایراد وجود دارد که ممکن است آثاری زیرمجموعه این حوزه قرار بگیرد که با ادبیات تطبیقی نامرتبط باشند. نویسنده این کتاب بر این باور است که معیاری دقیق و حدودمرزی مشخص برای تشخیص پژوهش‌های ادبیات تطبیقی وجود ندارد و این انتخاب‌ها کمی سلیقه‌ای است که البته در واقع چنین نیست و معیار اصلی شناخت پژوهش ادبیات تطبیقی، تحقیق در دو ادبیات و فرهنگ است و تطبیق‌گر، سفیر بین دو ملت است. در هر صورت نویسنده کوشیده است برای این پژوهش حدودمرزی تعیین کند و به‌طور مثال آثاری را دسته‌بندی کرده است که ارتباط دو ملت یا دو زبان را نشان می‌دهد یا از ارتباط بین قرآن و حدیث سخن می‌گویند؛ حتی به پژوهش‌هایی هم که به زبان‌های دیگر توسط ایرانیان نوشته شده است، مثل عربی یا اردو اشاره می‌کند. این پژوهش شامل کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی می‌شود که در این حوزه کار شده‌اند که البته بسیار کلی است و بهتر بود محدوده تاریخی و زمانی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شد؛ چون همان‌گونه که نویسنده به آن اشاره می‌کند، حجم آثار بسیار زیاد است.

ایران‌زاده، نعمت‌الله (۱۳۹۳). *کتابشناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران*. تهران: علم و دانش

کتاب پیش‌رو به معرفی آثار و پژوهش‌هایی پرداخته که در حوزه مطالعات تطبیقی در ایران تألیف و ترجمه شده است. نویسنده در این اثر پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالاتی که به ارتباط ادبیات دو ملت، تأثیرپذیری از ادبیات سایر ملل و همین‌طور مطالعاتی که از دیدگاه نویسنده به دو موضوع و دانش متفاوت ارتباط داشته، در این تقسیم‌بندی قرار داده است. در همین سال اثری دیگر با عنوانی مشابه در حوزه کتابشناسی تطبیقی توسط ابوالقاسم رادفر تألیف شده است که بی‌شبهت به اثر معرفی شده نیست و در همین جستار به آن اشاره شده است (کتابشناسی توصیفی ادبیات تطبیقی). نکته‌ای که باید به آن اذعان کرد، قرارگرفتن آثاری در این دو اثر است که در حوزه ادبیات تطبیقی قرار نمی‌گیرند و این برآمد از درک نادرست حوزه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی است.

الیوت، کاملیا (۱۳۹۴). *بازاندیشی مباحث رمان و فیلم*. ترجمه فرزانه سجودی و دیگران، تهران: نشر بنیاد سینمایی فارابی

این کتاب از شش فصل تشکیل شده است. ابتدا در فصل نخست به نقش شعر و نقاشی در شکل‌گیری فیلم و رمان می‌پردازد و در فصل دوم، تصاویر منشور یا نثر مصور در برابر هم قرار می‌گیرند و مثال‌هایی از نمادهای تصویری و تصاویر نمادین داده شده است و نشان می‌دهد چگونه رمان‌نویسان از نثر همچون تصویرگری برای توصیف کلامی استفاده می‌کنند. در فصل سوم به نقش کلام به‌عنوان ادبیات، در فیلم اشاره می‌شود و تصویر را زبان فیلم می‌داند و از اهمیت فیلم در سینمای صامت می‌گوید. در فصل چهارم، نویسنده به سینمای ادبی می‌پردازد و بر این باور است که در اقتباس، ماهیت گفتمانی زبان واقعیتی زیباشناختی می‌یابد و به اهمیت تأثیر رمان‌های قرن نوزدهم بر فیلم‌های کلاسیک اشاره می‌کند. فصل پنجم ادامه اقتباس است و از نظر نویسنده، رمان‌های ویکتوریایی، بیشترین اقتباس سینمایی را داشته‌اند و البته در این مورد مثال‌هایی را نیز بیان می‌کند. در این فصل به بررسی نظریه‌های منتقدان و ارتباط بین واژه و تصویر می‌پردازد. فصل ششم فیلم‌های اقتباسی روان‌کاوانه و ساختارگرایانه را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و به اهمیت موسیقی فیلم نیز اشاره می‌کند. ترجمه این کتاب که توسط یک گروه انجام شده، ترجمه‌ای نارسا و ناهمگون است؛ به طوری که پس از چندبار خواندن هر پاراگراف، باز هم ارتباط کلامی درستی بین جملات دیده نمی‌شود.

ندا، طه (۱۳۹۴). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه حجت رسولی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی

ندا، طه (۱۳۸۰). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه زهرا خسروی، تهران: فرزانه روز (چاپ‌های بعد ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳)

ندا، طه (۱۳۸۳). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه هادی نظری منظم، تهران: نشر نی

این کتاب که توسط مترجمان متعددی به چاپ‌های زیادی رسیده است (در مقایسه با دیگر کتب این حوزه که بعضی از آن‌ها فقط با سفارش و به تعداد اندک چاپ می‌شوند)، بیشتر بر جریان‌های لغوی و ادبیات تطبیقی اسلامی تأکید دارد. با استفاده از رویدادهای تاریخی و پدیده‌های اجتماعی در جهان اسلام به ارتباط بین ایران و جهان عرب تکیه دارد؛ البته در فصل انتهایی به ادبیات اروپا اشاره می‌کند؛ اما فقط به تأثیر ادبیات و زبان‌های اسلامی بر اروپا نظر دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت فقط اولین گام در ادبیات تطبیقی که اشاره به تأثیر و تأثر دارد در اثر طه ندا به چشم می‌خورد.

اصطیاف، عبدالنبی (۱۳۹۵). *ادبیات تطبیقی در جهان عرب*. ترجمه حجت رسولی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی

بررسی ادبیات تطبیقی در جهان عرب از جمله آثاری است که بسیار مورد توجه پژوهشگران و مترجمان ایرانی قرار دارد. این موضوع شاید برآمده از شناخت ادبیات تطبیقی در ایران با کتاب‌های غنیمی هلال و طه نداست و با ارتباط نزدیکی که میان ادبیات عرب و ادبیات فارسی و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه وجود دارد، حاکی از تأثیرپذیری این دو ادبیات بر یکدیگر است و همین امر از عوامل محبوبیت آثار عربی در حوزه ادبیات تطبیقی در میان پژوهشگران ایرانی است. نویسنده به برداشت‌های نادرست و کم‌توجهی به حوزه ادبیات تطبیقی در پژوهش‌های عربی اشاره کرده و در ادامه، روش‌های پژوهشی این حوزه و ارتباط آن با دانش‌های دیگر را معرفی کرده و در انتها به بررسی پژوهش‌های حسام خطیب و جایگاه آن در ادبیات تطبیقی عرب پرداخته است.

زینی‌وند، تورج (۱۳۹۵). *به سوی نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی*. تهران: یار دانش

نگارنده کتاب بر آن است که ادبیات تطبیقی را در قلمرو شرق تعریف کند و با اینکه این رشته از غرب برخاسته است، به‌منظور تحقق آموزه‌های دینی و فرهنگ اسلامی می‌کوشد در میان فرهیختگان جهان اسلام هم نمونه‌هایی از آن را معرفی کند و معتقد است با این روش این رشته به‌سوی بومی‌سازی و احیای هویت اسلامی - ملی پیش می‌رود. در پایان از چالش‌های ادبیات تطبیقی در نظریه ادوارد سعید سخن می‌گوید و بعضی از پیشگامان ادبیات تطبیقی در شرق را نقد می‌کند و از تحولات این رشته در جهان عرب می‌گوید.

ماه‌وان، فاطمه (۱۳۹۵). *شاهنامه‌نگاری: گذر از متن به تصویر*. تهران: معین

این کتاب که رساله دکترای نویسنده با راهنمایی محمدجعفر یاحقی است، از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول به تاریخچه نگارگری اشاره و قدمت این هنر را در شاهنامه بررسی کرده است. در بخش دوم که خود از سه فصل تشکیل شده، به اثری که حکومت‌ها بر نگارگری‌های شاهنامه گذاشته‌اند، پرداخته است. بخش سوم، در چهار فصل، نشانه‌های تصویری در شاهنامه را نشان داده است. در پایان نویسنده به چهره‌نگاری‌هایی که از فردوسی شده و تصویر وی در متون دیگر پرداخته است. به‌زعم نویسنده، هدف این اثر نشان‌دادن ارتباط بین نگارگری و ادبیات است؛ سستی که از نخستین سده‌های اسلامی تا دوره قاجار وجود داشته و

می‌تواند با احیای توأمان متن و تصویر، ادبیات را با حوزه‌های دیگر درهم‌آمیزد؛ بنابراین نویسنده ارتباط متن و تصویر را که موضوع مهمی در ادبیات تطبیقی است، در این اثر نشان داده؛ اما از نظریه‌های تصویرشناسی در ادبیات تطبیقی نام نبرده است.

**کمالی، محمدجواد (۱۳۹۵).** *تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات فرانسه. مشهد: نگاران سبز*  
چون این کتاب به زبان فرانسه نگاشته شده است؛ قاعدتاً نباید جزیی از منابعی باشد که در این مبحث به آن می‌پردازیم؛ اما از آنجاکه نویسنده و ناشر آن ایرانی است و جزء منابع ادبیات تطبیقی در رشته زبان و ادبیات فرانسه به شمار می‌آید، به اختصار به آن اشاره می‌کنیم. در فصل اول از تاریخچه ادبیات تطبیقی و نقش سفرنامه‌ها و ترجمه و ارتباط آن با این حوزه سخن گفته شده است؛ سپس به مقوله شرق‌شناسی در قرن‌های هفدهم تا بیستم پرداخته شده و در فصل سوم به تأثیر ایرانی‌ها بر ادبیات فرانسه (با اشاره به بزرگان ادب فرانسه که از ادبیات کلاسیک فارسی تأثیر گرفته‌اند) و مطالعات موضوعی پرداخته شده است. در انتها نیز «تاریخچه آموزش زبان و ادبیات فارسی در کشور فرانسه» آمده است. نگارنده، این کتاب را جزء منابع درسی کارشناسی ارشد و دکترا معرفی می‌کند.

۱۳۹۶-۱۴۰۰

**قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۶).** *هم‌زیستی ادبیات تطبیقی و نظریه‌های ادبی. تهران: جهاد دانشگاهی*

نویسنده کتاب در مقدمه بر این امر تأکید دارد که تا به حال کتابی که به نظریه‌های ادبی در ادبیات تطبیقی بپردازد، نوشته نشده است که البته ادعای درستی نیست و بسیاری از نظریه‌هایی که در این کتاب به آن اشاره شده، در کتاب‌های دیگری نیز که در اینجا نام برده‌ایم آمده است. کتاب از سه فصل و دو بیست و چهار صفحه تشکیل شده که در فصل اول مانند دیگر آثار تألیفی در این حوزه، به تعاریف کلی و حوزه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی پرداخته شده است. فصل دوم موضوع نظریات زبان‌شناختی را مطرح کرده و از فرمالیسم روسی تا ساختارگرایی و بینامتنیت را بررسی کرده است. فصل سوم به نظریات جامعه‌شناسی اشاره کرده و از نقد تکوینی تا پسااستعماری و مارکسیسم و فمینیسم، به هرکدام اشاره‌هایی داشته است. این موضوع که هرکدام از این نظریه‌ها را می‌توان در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی استفاده کرد، کاملاً درست است و موضوع تازه‌ای نیست؛ اما اینکه این کتاب از این هم‌زیستی به چه نتیجه بدیعی می‌رسد، مشخص نیست.

### عزیزی، محمدرضا (۱۳۹۶). *متن پنهان غزلیات حافظ*. تهران: زوار

این کتاب پژوهشی تطبیقی و زبان‌محور است که با نگاهی دقیق به تأثیرپذیری حافظ از زبان و فرهنگ عربی، تلاش می‌کند لایه‌های پنهان معنایی و زبانی در غزلیات او را آشکار کند. این اثر، نوعی ترجمه پژوهی فرهنگی به شمار می‌آید که به بررسی واژگان، ترکیب‌ها، ملمعات و اشارات عربی در دیوان حافظ می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه شاعر از ظرفیت‌های زبان عربی برای غنابخشی به جهان شعری خود بهره گرفته است. عزیزی با رویکردی تحلیلی، به خوبی توانسته پیوندهای زبانی و فرهنگی میان فارسی و عربی را در شعر حافظ برجسته کند. با این حال، به نظر می‌رسد کتاب در برخی بخش‌ها می‌توانست با ارائه نمونه‌های تطبیقی بیشتر و چهارچوب نظری روشن‌تر در حوزه ترجمه‌پژوهی، عمق تحلیلی خود را افزایش دهد. همچنین پرداختن به مقایسه مستقیم با متون عربی هم‌دوره می‌توانست بر غنای پژوهش بیفزاید. با وجود این، کتاب گامی ارزشمند در شناخت تأثیرات بین‌زبانی در شعر حافظ است و برای علاقه‌مندان به مطالعات تطبیقی و ترجمه‌پژوهی، منبعی قابل تأمل و سودمند به شمار می‌آید.

### یوست، فرانسوا (۱۳۹۷). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*. ترجمه علیرضا انوشیروانی، لاله آتشی و رقیه بهادری، تهران: سمت

در این کتاب که از پنج بخش و پانزده فصل تشکیل شده، نویسنده بر آن است تا روش تحقیق در ادبیات تطبیقی را نشان دهد. مانند بیشتر کتاب‌های این رشته در فصل نخست به تاریخچه ادبیات تطبیقی و نیز به مبانی نظری در این رشته می‌پردازد. در فصل‌های بعد، حوزه‌های پژوهشی و بنیادین این رشته را به روشنی توضیح می‌دهد: تأثیر و تأثر، توارد، مکتب‌ها و نهضت‌ها، ژانرها، مضمون‌ها و بن‌مایه‌ها، شخصیت‌های ادبی و مطالعات بین‌رشته‌ای. آنچه در ترجمه فارسی این کتاب اهمیت دارد، توجه به نیازهای جامعه ادبی ایران است؛ بنابراین، مطالبی که در کتاب اصلی برای دانشجویان ایرانی مناسب نبوده، حذف شده و در مواردی که لازم بوده توضیحات و مثال‌هایی در پانویس آمده و در پایان هر فصل سؤالاتی برای بحث در کلاس مطرح شده است تا کتاب درسنامه‌ای برای دانشجویان و علاقه‌مندان ادبیات تطبیقی باشد.

### ارباب‌شیرانی، سعید (۱۳۹۷). *اشکال یک اسطوره (گونه‌گونی شخصیت ادبی حضرت یوسف)*. ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران: نیلوفر

این کتاب که حاصل رساله دکتری نویسنده به زبان انگلیسی است، در

چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول، نویسنده به بررسی شخصیت و معرفی یوسف در قرآن و کتاب مقدس پرداخته و ذوق و قوت روایی قصه یوسف در کتاب مقدس و شگردهای روایی و ساختار قصه را مطالعه می‌کند. واقعه «چاه» در قصه‌های آدونیس - تموز- اوزیریس مسیح، رابطه سه‌جانبه میان یوسف، پوتیفار و همسرش در حکایت‌های قدیم مصری و مقایسه آن با افسانه‌های کهن ایرانی، مواردی است که به آن پرداخته شده است. در فصل بعد، از حضور این اسطوره در ادبیات فارسی و انگلیسی با اشاره به چند اثر ادبی می‌گوید. در ادبیات فارسی، داستان یوسف را با افسانه سیاوش مقایسه می‌کند و به موتیف جوان پاکدامن و نامادری هوسران اشاره می‌کند. در فصل سوم، داستان یوسف و زلیخای جامی را بیان می‌کند و به تفسیر این قصه از منظر صوفیان ایرانی می‌نگرد و معتقد است که این قصه از نگاه صوفیانه تمثیلی از عشق میان انسان و خداست و در مقابل سنت انسان‌محور در کتاب مقدس، روایت قرآنی خدامحور است. در فصل چهارم موضوع عشق را در این داستان‌ها بررسی می‌کند. شرح عشق زلیخا و یوسف از منظر جامی و روایت قرآنی و مذهبی آن به ظهور عشق خداوند در کل عالم اشاره دارد. طرح روی جلد کتاب، نقاشی کمال‌الدین بهزاد است که گریز حضرت یوسف از زلیخا را نشان می‌دهد.

#### سرخی، رحیم (۱۳۹۷). *نقدی بر ادبیات تطبیقی*. تهران: بوعلی

این اثر با معرفی ادبیات تطبیقی و مفاهیم مرتبط به آن آغاز شده و در ادامه به معرفی حوزه‌های پژوهشی پرداخته است. براساس عنوان کتاب، نقدی که نویسنده به پژوهش‌های ادبیات تطبیقی دارد، توجه بسیار به ادبیات غرب بوده و معتقد است که باید تمرکز پژوهشگران بر ادبیات ملی باشد که بیشتر با ادب فارسی درآمیخته است؛ از این رو تمام نمونه‌های آمده در این اثر به بررسی ارتباط ادبیات فارسی و ادبیات عرب اشاره دارد؛ اما لازم به ذکر است، پژوهش در حوزه ادبیات تطبیقی، تنها تأثیر و تأثر نیست و در نظر گرفتن تنها یک بعد در پژوهش‌های تطبیقی، کاری نادرست و نشان از درک ناقص مفهوم ادبیات تطبیقی است.

#### حاجتی، سمیه (۱۳۹۷). *خوانش پسااستعماری رمان*. تهران: ماه و خورشید

در زیرعنوان کتاب آمده است: ده رمان فارسی در پرتو رویکرد پسااستعماری؛ بنابراین خواننده می‌داند که قرار است با مقوله پسااستعماری در چهارچوب مثال‌ها آشنا شود. ابتدا در بخش اول با رویکردهای مختلف این موضوع آشنا می‌شویم و مفاهیم نظری معرفی می‌شوند. فصل دوم که در سه بخش تنظیم شده، به بررسی گفتمان‌هایی می‌پردازد که انواع مختلف جلوه‌های استعمار نو را نشان می‌دهد.

در این فصل مثال‌هایی از رمان‌های فارسی آورده شده است. فصل سوم با بررسی چند رمان ایرانی به گفتمان پسااستعماری ایدئولوژیک می‌پردازد. داستان‌ها فضایی را نشان می‌دهند که در سیر داستان‌های سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب، گویای نوعی چرخش گفتمانی از سلطه و نفوذ و مقابله و واکنش مستقیم به غیرمستقیم هستند. فصل سوم از استعمار هژمونیک سخن می‌گوید و با بررسی چند رمان به مقوله مهاجرت و بحران هویت می‌پردازد و نویسنده به این موضوع اشاره می‌کند که امروزه استعمار به شکل کلاسیک آن وجود ندارد؛ اما مجریان استعمار با ظاهر جدید قدم در مرزهای ذهنی و فرهنگی برخی سرزمین‌ها نهاده‌اند و در پایان کتاب با منابع مفصلی به زبان فارسی و چند منبع به زبان انگلیسی روبه‌رو می‌شویم. شاید مناسب‌تر بود، اگر نویسنده این بررسی‌ها را محدود به رمان‌های فارسی نمی‌کرد و به رمان‌های کشورهای که زمانی تحت استعمار بوده‌اند، نیز می‌پرداخت.

**لطافتی، رؤیا؛ معظمی فراهانی، بیتا (۱۳۹۸). ادبیات تطبیقی در نوسان. تهران: سمت**

این کتاب می‌کوشد تا نشان دهد این حوزه پژوهشی مدام در حال تغییر و تحول است و از روش سنتی به‌سوی روش‌های نوین صعود کرده است. این کتاب با تکیه بر مثال‌هایی، نظریه‌های ادبی در این حوزه را معرفی می‌کند و نمونه‌هایی از پژوهش‌های روشمند ارائه می‌دهد. نویسندگان این کتاب بر حضور «دیگری» در این دست پژوهش‌ها تأکید دارند و بر این باور هستند که ادبیات تطبیقی در جست‌وجوی مرزهاست و هر تغییر کیفی، هویتی دیگر می‌سازد که در قالب «دیگری» خود را می‌نمایاند. این کتاب سعی کرده است که با دادن نمونه‌ها مرز بین ادبیات تطبیقی و نقد ادبی را نیز نشان دهد و از ارتباط بین این رشته و سایر علوم هم سخن گفته است.

**اسالیوان، ایمر (۱۳۹۸). ادبیات تطبیقی کودکان. ترجمه مریم جلالی و محبوبه فرهنگی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان**

این کتاب رساله پسادکترای نویسنده به زبان آلمانی است که ترجمه‌ای از آن به انگلیسی هم چاپ شده است. مترجمان ایرانی، این کتاب را از انگلیسی ترجمه کرده‌اند و نقل‌قول‌ها و نام پژوهشگران متعددی را آورده‌اند که به زبان‌هایی به جز انگلیسی نوشته‌اند. یکی از اهداف مترجمان این است که مطالعات ادبیات کودک را از حیطه تک‌گویانه زبان انگلیسی خارج کنند و منابعی به زبان‌های دیگر نیز معرفی کنند. دو فصل اول کتاب مبتنی بر بررسی تاریخی و انتقادی درباره پژوهش‌های پس

از جنگ است که به ایده فراملی جمهوری جهانی کودک اشاره دارد و معتقد است، کتاب‌هایی که برای کودکان نوشته می‌شود، ماهیتی فراملی و جهانی دارند. در ادامه به مقاله‌های تطبیقی سی سال اخیر می‌پردازد و طرحی از ادبیات تطبیقی کودک در حوزه‌های مختلف ارائه می‌شود. در فصل سوم به روند رشد ادبیات کودک در جهان پرداخته می‌شود و فصل چهارم تا ششم پژوهشی دقیق از ترجمه علمی ادبیات کودک است و تفاوت‌های ترجمه را در آثار کودکان و بزرگسالان نشان می‌دهد. در انتها به آثار برجسته ادبیات کودک، چه آن‌ها که از نظر تاریخی اهمیت دارند و چه آثاری که بسیار پرفروش هستند و با پذیرش عموم مواجه شدند؛ بنابراین، ترجمه آثار کودکان به زبان‌های مختلف در جهانی شدن ادبیات کودک نقش مهمی ایفا کرد؛ برای نمونه، اثری مانند پینوکیو انتخاب شده است و پذیرش آن در آلمان و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ناصری، فرشته (۱۳۹۸). *تبیین مؤلفه‌های ادبیات تطبیقی*. تهران: تخته‌سیاه

این کتاب به شیوه خیلی کلی به ادبیات تطبیقی پرداخته است؛ از تعاریف شروع کرده، به چند حوزه در ادبیات تطبیقی اشاره کرده و سپس در پایان به تاریخچه ادبیات تطبیقی در ایران و جهان اشاره کرده است. با اینکه نویسنده کوشیده است با ارائه مصادیق و نمونه‌هایی از کارهای پژوهشی در این حوزه به جایگاه آن در ایران و جهان پردازد، بررسی موضوعاتی چنان وسیع در هشتاد صفحه عملاً امکان‌پذیر نیست و به ابترشدن کلام می‌انجامد.

#### دادور، المیرا (۱۳۹۸). *نقش ترجمه ادبی در ادبیات تطبیقی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

این کتاب از چهار فصل تشکیل شده است. نویسنده در فصل نخست به دشواری‌های ترجمه ادبی و جایگاه مترجم و اثر او می‌پردازد و در این میان مثال‌هایی آورده شده و به نخستین روابط میان ایران و فرانسه و مکاتبات بین کشورها اشاره شده است. فصل دوم کتاب شامل ترجمه ادبی در دوره قاجار تا سال ۱۳۰۰ خورشیدی است و از دارالفنون و دارالترجمه ناصری به‌عنوان دو پایگاه مهم ترجمه نام برده شده و فهرستی از بزرگان ترجمه و نخستین کتاب‌های ترجمه‌شده در این دوران آمده است. فصل سوم از ادبیات نوین در ایران، ظهور داستان کوتاه، رمان و شعر نو که حاصل آشنایی با ادبیات غرب و ترجمه‌هاست، سخن به میان آمده است و نویسنده، نسل دوم مترجمان و بعضی از ترجمه‌های آنان را معرفی می‌کند. در فصل چهارم به ترجمه ادبیات فرانسه پس از سال ۱۳۵۷ خورشیدی و نسل‌های

بعدی مترجمان اشاره می‌شود. در این فصل نویسنده به نظریه دریافت و افق انتظار و دلایل آثار مورد ترجمه در قرن حاضر می‌پردازد. بیشتر مثال‌ها و آثاری که از آن‌ها سخن به میان آمده مربوط به ترجمه‌های ادبی فرانسه است و به آثار ادبی دیگر کشورها کمتر پرداخته شده که دلیل این موضوع بی‌شک تسلط نویسنده به زبان و ادبیات فرانسه است و به همین دلیل محتوای کتاب از عنوان آن فاصله گرفته است.

### ولک، رنه (۱۳۹۹). *روایت رنه ولک از ادبیات تطبیقی*. ترجمه سعید رفیعی خضری، تهران: چشمه

در کتاب پیش‌رو با روایتی جدید از ادبیات تطبیقی مواجه هستیم که پیش از آنکه تاریخچه و حوزه‌های پژوهشی را مورد بررسی قرار دهد، بحران پژوهشی در این حوزه را بررسی کرده و ماهیت جدید ادبیات تطبیقی را برای مخاطب به تصویر می‌کشد. این اثر شامل پنج فصل بوده که هر یک دربرگیرنده مقاله‌ای از رنه ولک<sup>۱</sup> است. سه فصل اول به صورت خاص به مسئله ادبیات تطبیقی بحران و ماهیت این حوزه اشاره دارد و دو مقاله آخر دیدگاه رنه ولک درباره ادبیات است که بی‌ارتباط با فصول اول نبوده؛ به عبارتی دیگر مکمل سه فصل ابتدایی اثر است.

### دومینگز، سزار؛ ساسی، هان؛ ویلانووا، داریو (۱۳۹۹). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی: جریان‌ها و کارکردهای نوین*. ترجمه مسعود فرهنگدفر و روشنک اکرامی، تهران: سیاه‌رود

در این اثر نویسندگان به این موضوع پرداخته‌اند که نه تنها مطالعات تطبیقی به بن‌بست نرسیده است؛ بلکه مسیری جدید پیش روی آن قرار دارد. این اثر در سه فصل تنظیم شده که با معرفی ادبیات تطبیقی و مفاهیم آن آغاز می‌شود و نویسندگان با بیان ارتباط ادبیات تطبیقی با حوزه‌های مختلف، مانند ترجمه، هنر و... به ترسیم مسیری پرداخته‌اند که آینده پژوهشی در این حوزه را نشان می‌دهد.

### اسپیواک، گایاتری چاکراورتی (۱۳۹۹). *مرگ یک رشته*. ترجمه اسماعیل نجار و دیگران، تهران: مهراندیش

این کتاب از مهم‌ترین منابع سال‌های اخیر در ادبیات تطبیقی است؛ اما ترجمه خوبی ندارد. اسپواک در این اثر به نقد ادبیات تطبیقی به دو شیوه فرانسوی و آمریکایی می‌پردازد و معتقد است که تا ابتدای قرن بیست و یکم ادبیات تطبیقی اروپا محور بوده و تنها راه موفقیت این رشته توجه به فرهنگ‌های متعدد است.

کتاب با محوریت چند رمان نوشته شده است: *اتاقی از آن خود* ویرجینیا ولف، *دل تاریکی* جوزف کنراد، *فصل هجرت به شمال* طیب صالح، *رسوایی جان مکسول* کوتسی<sup>۳</sup> و *زن دیوانه در اتاق زیرشیروانی* از ساندرای ژیلبرت. این کتاب از سه فصل «عبور از مرزها»، «جمع‌گرایی» و «سیارگی» تشکیل شده است و نگاهی انتقادی به ادبیات تطبیقی در اروپا دارد.

**فارسیان، محمدرضا؛ قادری، فاطمه (۱۳۹۹). *آلبر کامو در ایران*. مشهد: دانشگاه فردوسی**

این کتاب که در چهار فصل نوشته شده و به علل پذیرش و مقبولیت آلبر کامو<sup>۴</sup> در ایران پرداخته است. همان‌گونه که نویسندگان در پیشگفتار اشاره کرده‌اند، کامو در ایران با اقبال بسیار خوبی روبه‌رو و آثار بسیاری از او ترجمه شده؛ حتی بعضی از آثار او توسط چندین مترجم به فارسی برگردانده شده است. نویسندگان براساس نظریه پذیرش که از زیرشاخه‌های ادبیات تطبیقی است، به نمودهای پذیرش آثار کامو در جامعه ایرانی پرداخته‌اند. در فصل اول کتاب، نظریه دریافت و دیدگاه یاس و آیزر در ادبیات تطبیقی و تفاوت آن با نقد خواننده‌محور در نقد ادبی مطرح و در مبحث افق انتظار به عوامل درون‌متنی و برون‌متنی در دریافت اثر اشاره می‌شود. در دو فصل بعد به آثار ترجمه‌شده از کامو و دریافتی که از آثارش در میان شاعران و نویسندگان ایرانی وجود دارد، پرداخته شده و در پایان دلایل پذیرش کامو در ایران و تغییر و تحولاتی که در میزان پذیرش آثارش به وجود آمده، بررسی شده است.

**غنی، سیروس (۱۴۰۰). *شرقیات شکسپیر*. ترجمه مصطفی حسینی، تهران: نیلوفر**  
این کتاب با عنوان *شکسپیر، ایران و شرق*، در انتشارات مروارید در سال ۱۳۹۹ توسط مسعود فرهمندفر به چاپ رسیده است. انتشارات ادیب مصطفوی نیز در سال ۱۳۹۲ این کتاب را با همین عنوان با ترجمه نجمه رستگاردوست منتشر کرده است که البته نسخه چاپی آن در دسترس نیست. نویسنده این کتاب اذعان می‌کند که شکسپیر پیش از آنکه در ایران به واسطه ترجمه آثارش معروف شود، با ایران آشنایی داشته و می‌توان گفت قبل از آنکه ایران او را بشناسد، وی ایران را می‌شناخته است. سیروس غنی از روند شرق‌شناسی و شناخت ایران آن زمان توسط شکسپیر

1. Virginia Woolf
2. Teodor Józef Konrad
3. John Maxwell "J. M." Coetzee
4. Sandra M. Gilbert
5. Albert Camus

سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که بخشی از اطلاعات شکسپیر در مورد ایران و شرق به‌واسطه خواندن سفرنامه‌هایی است که در آن دوره نوشته شد. غنی ابتدا به معرفی شکسپیر و آثار او پرداخته؛ سپس از دو خاندان معروف، خاندان تئودر و صفوی که در روابط ایران و انگلستان در زمان شکسپیر مؤثر بودند، سخن گفته است. فصل بعدی کتاب به سفر سیاحان و مراودات تجاری بین ایران و سایر کشورها اشاره کرده است؛ سپس با معرفی نمایی از شخصیت‌هایی چون ارل اسکس<sup>۱</sup> و برادران شرلی<sup>۲</sup> و نیز ارل ساوت همپتون<sup>۳</sup>، متوجه می‌شویم چگونه این افراد در بهبود روابط بین دو کشور مؤثر بوده‌اند. در بخش پایانی کتاب نیز به اختصار به نمایشنامه‌های شکسپیر پرداخته شده و به تلمیحات آن‌ها به شرق اشاره شده است.

**البدیری، علی مجید (۱۴۰۰). ادبیات تطبیقی: مبانی و کاربردها. ترجمه معصومه نعمتی قزوینی، تهران: سفیر قلم**

این کتاب به‌صورت الکترونیکی چاپ شده و آن‌گونه که در کتاب آمده، با هدف تحقق سرفصل‌های مصوب وزارت آموزش عالی برای واحد ادبیات تطبیقی در دانشگاه تدوین شده است. همانند دیگر کتاب‌هایی که از زبان عربی ترجمه می‌شود، نویسنده به معرفی و تاریخچه ادبیات تطبیقی پرداخته است و سپس مکتب فرانسه و آمریکایی و اسلاو را شرح می‌دهد. وی معتقد است پیامدهای جنگ جهانی اول و دوم، پیدایش مکتب فرمالیسم روسی و ساختارگرایان در اروپا، راه را برای ناقدان آمریکایی باز کرد و متعلق‌بودن بسیاری از پژوهشگران آمریکایی به قومیت‌های مختلف، آن‌ها را به‌سوی پذیرش همه‌جانبه فرهنگ و ادبیات دیگری سوق داد. نویسنده به نظریه‌پردازی همچون وان تیگم و رنه ولک اشاره می‌کند و بحثی پیرامون ادبیات جهان مطرح کرده است. وی رابطه ادبیات تطبیقی را با نظریات دیگر، از جمله نظریه ترجمه و دریافت و نظریه چندصدایی ادوارد سعید بررسی می‌کند و در پایان پنج نمونه از پژوهش‌های تطبیقی را نام می‌برد که مقایسه ادبیات عرب با قرآن و نهج‌البلاغه با ادبیات آمریکاست. با توجه به سیر تغییر مطالعات تطبیقی و روش‌های پژوهشی در این حوزه، این اثر را می‌توان در دسته آثار قرار داد که به شناخت و معرفی ادبیات تطبیقی کمک می‌کنند.

**جوهری، سجاد (۱۴۰۰). تأثیر و تأثر ادبیات تطبیقی در ادبیات فارسی. تبریز: آزادی قلم**  
مانند دیگر کتاب‌هایی که در ایران در حوزه ادبیات تطبیقی نوشته شده‌اند، نویسنده در فصل اول کلیاتی از ادبیات تطبیقی می‌گوید، دو مکتب آمریکایی و فرانسوی

1. Earl Essex
2. Sir Anthoni Shirley
3. Earl Southampton

را معرفی می‌کند، به تأثیر و تأثر و تشابهات می‌پردازد و به سراغ ترجمه و اقتباس ادبی می‌رود. در فصل دوم، به پیشینه ادبیات تطبیقی در ایران می‌پردازد. نویسنده معتقد است ادبیات ایران بر دیگر ملت‌ها تأثیر گذاشته است؛ البته از این تأثیر به‌طور اجمالی سخن می‌گوید و در چند صفحه آن را خلاصه می‌کند. در پایان به این نتیجه می‌رسد که شناخت فرهنگ و ادبیات کشورهای دیگر، ما را به شناخت خود رهنمون می‌شود و نقاط قوت و ضعف را به ما نشان می‌دهد.

**پیرانی، منصور (۱۴۰۰). درآمدی بر ادبیات تطبیقی: خاستگاه، مبانی و چالش‌ها. تهران: دانشگاه شهید بهشتی**

این کتاب که در هفت فصل نوشته شده است به تاریخچه ادبیات تطبیقی می‌پردازد. در فصل دوم، در دو بخش پیش از قرن نوزده و پس از آن، از نظریه‌های ادبیات تطبیقی و مبانی آن سخن می‌گوید. در فصل سوم، همانند دیگر کتاب‌های تألیفی، دو مکتب فرانسوی و آمریکایی را به‌عنوان مکاتب اصلی معرفی می‌کند و سپس از حضور ادبیات تطبیقی در دیگر کشورهای اروپایی، مانند آلمان و بریتانیا سخن می‌گوید و به سراغ مکاتب ادبی می‌رود و از نقد ادبی و بینامتنیت و ترامتنیت می‌نویسد. در فصل چهارم و پنجم به رابطه ادبیات تطبیقی و مطالعه فرهنگ‌ها و ترجمه می‌پردازد. در فصل‌های نهایی به کارکردهای ادبیات تطبیقی اشاره می‌کند و از ادبیات ایران در جهان و ادبیات جهان در ایران می‌نویسد. انسجام و فصل‌های کتاب و ارتباط آن‌ها با یکدیگر منطقی است؛ اما مطلب تازه‌ای در آن یافت نمی‌شود.

۱۴۰۱-۱۴۰۴

**دادور، ایلمیرا (۱۴۰۱). ادبیات تطبیقی: نقد و نظر. تهران: خاموش**

کتاب مذکور مانند دیگر آثار ابتدا پیشینه ادبیات تطبیقی و مضامین مربوط به این حوزه را عنوان کرده است. نویسنده هر یک از فصول را به شاخه‌ای پژوهشی در ادبیات تطبیقی اختصاص داده که شامل اقتباس، اسطوره، ترجمه، ارتباط ادبیات تطبیقی با هنر، پسااستعماری و تصویرشناسی و سفرنامه است. نویسنده با پیشینه ادبیات تطبیقی شروع می‌کند و تفاوت آن با دیگر آثار مشابه این است که در این پیشینه به شرق هم اشاره می‌کند؛ از سفر کلیله و دمنه به اروپا و تأثیری که بر فابل‌های لافونتن<sup>۱</sup> گذاشته است تا گوته و ارتباط او با ادبیات جهان و شیفتگی او نسبت به حافظ. در هر یک از فصل‌های کتاب، برای تفهیم بهتر هر مبحث، مثال‌هایی آورده شده است که برای مخاطب جنبه آموزشی دارد؛ برای نمونه در فصل

اقتباس داستان «داش آکل» و فیلم آن بررسی شده و در فصل اسطوره به دو شخصیت کاووس و ایکاروس پرداخته شده است. در فصل ترجمه، از جایگاه مترجم در اثر صحبت شده؛ سپس به ترجمه‌پذیری یا ناپذیری شعر اشاره شده و به این منظور از ترجمه دیوان حافظ به فرانسه مثال‌هایی مطرح شده است و در پایان این فصل از پیرامنتیت و نظریه ژرار ژنت سخن به میان آمده است. در فصل ادبیات تطبیقی و هنرهای دیگر به ارتباط ادبیات و هنرها، به‌ویژه نقاشی در مکتب‌های مختلف اشاره شده و مثال‌هایی از آثار امیل زولا<sup>۱</sup> آمده است که نمود آن در آثار نقاشی امپرسیونیست‌ها دیده می‌شود. فصل پسااستعماری، علی‌رغم موضوع چالش‌برانگیز آن، بسیار کوتاه است و با معرفی چند نظریه‌پرداز به‌طور خلاصه به آن پرداخته شده است؛ اما فصل پایانی که به سفرنامه‌ها و تصویرشناسی اختصاص یافته، مفصل و به همراه مثال‌های متعدد است. از سفرنامه‌نویسان و سیاحان زیادی نام برده شده است که از جمله می‌توان به جیمز موریه<sup>۲</sup> و پیر لوتی اشاره کرد. در پایان، کتابنامه مفصلی به فارسی و فرانسه آمده است. آنچه این اثر را از دیگر آثار مشابه متمایز می‌کند، معرفی نظریه‌های مختلف در حوزه‌های ذکرشده در کتاب است و این اثر چکیده دامنه پژوهشی ادبیات تطبیقی در دهه‌های اخیر در ایران است.

الطائی، عباس (۱۴۰۱). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه ابراهیم بچاری، خرمشهر: حبر البیان

در شروع کتاب با کلیات ادبیات تطبیقی مواجه هستیم؛ سپس به مقایسه ادبیات عرب و فارسی پرداخته شده و از تأثیر ادبیات عرب بر ادب فارسی سخن رفته است. پس از بیان مثال‌ها، از ترجمه به‌عنوان پلی بین ادبیات فارسی و عربی یاد شده است. در این میان به تأثیر قرآن در تلمیحات و تصویرهای اشعار فارسی اشاره شده است.

هاچینسون، بن (۱۴۰۱). *ادبیات تطبیقی: درآمدی خیلی کوتاه*. ترجمه ابوالفضل حری، تهران: لوگوس

این کتاب، همان‌گونه که در عنوان و مقدمه آن نیز اشاره شده، نگاهی کوتاه و گذرا به ادبیات تطبیقی است. نویسنده به تفاوت ادبیات تطبیقی و ادبیات جهان

1. Émile Zola

2. James Justinian Morier

پرداخته و موضوع استعمارگری فرهنگی را در ادبیات تطبیقی شرح داده است؛ سپس از چهره‌های مهم این رشته سخن گفته و به این موضوع پرداخته است که ادبیات تطبیقی، با توجه به مدرنیسم قرن بیستم، آنچنان مرکز توجه نبوده و کاربرد آن کم‌رنگ و ناچیز بوده است. وی حضور دو جنگ جهانی را با این موضوع مرتبط می‌داند و معتقد است نگاه‌های سیاسی کوشیدند که میراث نقد ادبی سیاست‌زده را استمرار بخشند. در پایان کتاب به آینده ادبیات تطبیقی می‌پردازد و معتقد است این رشته نقش اصلی در آینده علوم انسانی ایفا می‌کند.

**مارچتیج، آدریانا (۱۴۰۱). پس از ادبیات تطبیقی. ترجمه مسعود فرهمندفر و پگاه فرهنگ‌مهر، تهران: مروارید**

موضوع مورد هدف نویسنده در این کتاب، ترسیم آینده پژوهشی در حوزه مطالعات تطبیقی جدید است. کتاب حاضر شامل شش فصل است که ابتدا تاریخچه ادبیات تطبیقی بررسی و سپس مفاهیم اصلی این حوزه معرفی شده است. در ادامه نویسنده مطالعات تطبیقی انجام‌شده از قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیست و یکم را برای پاسخ به پرسش‌های اساسی خود در این اثر که آینده پژوهشی و همین‌طور بحران‌ها و چالش‌های موجود در این حوزه را شامل می‌شود، بررسی کرده است. هدف نویسنده از بررسی دو‌یست‌ساله مطالعات تطبیقی، پاسخ به این دغدغه است که مطالعات تطبیقی جدید یا میان‌رشته‌ای، تنها محدود به نظریه ادبی نیست؛ بلکه عوامل ایدئولوژی، سیاسی و فرهنگی نیز باید مدنظر قرار گیرند.

**نامور مطلق، بهمن (۱۴۰۱). ادبیات تطبیقی: مفاهیم، مکاتب، انواع و پیکره‌ها. تهران: لوگوس**

کتاب حاضر شامل نه فصل است. هر فصل از این اثر، بُعدی از ادبیات تطبیقی را مورد بررسی قرار داده است. در فصول ابتدایی مفاهیم پایه‌ای، کارکردها و مکتب‌های ادبیات تطبیقی معرفی شده است. فصل پنجم تا نهم این اثر پاسخ به پرسش‌هایی چالش‌برانگیز در مطالعات تطبیقی است، مباحثی که اکثر پژوهشگران حوزه ادبیات تطبیقی آگاهی کاملی نسبت به آن ندارند و این ناآگاهی سبب انجام پژوهش‌هایی شده که چهره‌ای نادرست از ادبیات تطبیقی را ترسیم می‌کنند. نویسنده در این فصول تمام ابعاد مطالعاتی در حوزه ادبیات تطبیقی را معرفی کرده و در نهایت در دو فصل انتهایی به این موضوع پرداخته است که چه آثاری را می‌توان در حوزه ادبیات تطبیقی بررسی کرد و نیز اینکه حوزه مطالعات تطبیقی، تنها محدود به ادبیات نیست و در تعامل با سایر رشته‌های دیگر است.

### فرهنگی، سهیلا (۱۴۰۱). کلیات ادبیات تطبیقی. تهران: دانشگاه پیام نور

این کتاب منبع درسی مقطع کارشناسی رشته ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور است؛ به این دلیل در پایان هر فصل خودآزمایی‌ها و سؤالاتی مطرح شده است که دانشجویان بتوانند پس از مطالعه کتاب، خود را بسنجند. در ده صفحه اول کتاب با کلیات مواجه هستیم: تعریف ادبیات تطبیقی و تاریخچه و مطالعات این رشته در جهان و ایران که البته بسیار خلاصه است و موردی به آن اشاره شده. در ادامه به اهمیت پژوهش در این حوزه پرداخته شده و روش تحقیق و قلمرو پژوهش بررسی شده است. نویسنده در فصل دوم کتاب به مکتب‌ها و جریان‌ها پرداخته و همچنان دو مکتب فرانسوی و آمریکایی را به‌عنوان سردمداران ادبیات تطبیقی معرفی می‌کند. در فصل سوم، کتاب به پیشینه ادبیات فارسی با دیگر ملت‌ها مانند فرانسه و روسیه و آلمان و انگلیس و ارتباط ادبیات فارسی و عربی پرداخته است که با توجه به وزین‌بودن موضوع، پرداختن به آن در سی صفحه بسیار گذراست و در حد معرفی باقی می‌ماند. اگرچه نویسنده سعی کرده بررسی محتوایی انجام دهد و آثار حماسی، غنایی، عرفانی و ادبیات معاصر را جداگانه بررسی کند؛ اما بسیار فشرده است. فصل چهارم هم به‌اختصار به نمونه‌هایی از آثار ادبیات ایران و جهان پرداخته و از دانشجویان خواسته شده به اصل مقاله برای مطالعه بیشتر رجوع کنند. این کتاب که بیشتر به جزوهای درسی شباهت دارد، کاری است که شبیه آن، چندین بار انجام شده و تکرار آن فقط در صورتی می‌تواند لازم باشد که مطلب جدیدی به پژوهش‌های گذشته اضافه کند.

بکار، یوسف؛ الشیخ، خلیل (۱۴۰۱). ادبیات تطبیقی: مکاتب، رویکردها و نمونه‌هایی از ادبیات ملل. ترجمه هومن ناظمیان و سیدعبدالله حسینی، تهران: دانشگاه خوارزمی

این کتاب از نه فصل با هدف آموزش به دانشجویان تشکیل شده است؛ زیرا مترجمان در پایان هر فصل سؤالاتی را مطرح کرده‌اند که از متن کتاب است. فصل اول و دوم، همانند دیگر آثار این حوزه، به تاریخچه و چالش‌های ادبیات تطبیقی پرداخته است؛ سپس در فصل بعد چند اصطلاح از ادبیات تطبیقی مطرح و در فصل چهارم به دسته‌بندی ادبیات تطبیقی و به‌طور مشخص مکتب فرانسوی و آمریکایی پرداخته و بالاخره در فصل پنجم به چند مورد تطبیقی در ادبیات قدیم عرب و ارتباط آن با ادبیات یونان و ایران اشاره شده است. نویسندگان بر این باورند که ادبیات عرب، هم از این دو ادبیات تأثیر گرفته و هم تأثیرگذار بوده است؛ البته

در فصل ششم، این ارتباط را دنبال می‌کنند و به ایجاز وارد ادبیات معاصر عرب و ارتباط آن با سایر ملل می‌شوند. فصل هفتم از شرق‌شناسی و ارتباط آن با ادبیات تطبیقی می‌گوید و سعی دارد با نگاه انتقادی، به مقوله استعمار بنگرد. در دو فصل آخر، نویسندگان به چند نمونه در ادبیات عرب اشاره می‌کنند و حتی با معرفی چند متن، به این ارتباط می‌پردازند که از تأثیر و تأثر فراتر نمی‌رود. با اینکه، بنا به نظر مترجمان، این کتاب از جدیدترین آثار ادبیات تطبیقی در جهان عرب است؛ اما به نکته تازه‌ای نمی‌پردازد و همچنان در بند مکاتب و مفاهیم قدیمی است که در بیشتر آثار تطبیقی جهان عرب دیده می‌شود.

### دمراش، دیوید (۱۴۰۲). کتاب مدفون. ترجمه مصطفی حسینی، تهران: نیلوفر

این کتاب، داستان گیلگمش را با روایتی جذاب، طوری بیان می‌کند که خواننده غیرمتخصص هم از کهن‌ترین حماسه ادبی جهان لذت ببرد. نویسنده در مقدمه، گزارش فشرده‌ای از حفاری‌ها و کشفیات آستن هانری لایارد<sup>۱</sup> در دهه ۱۸۴۰ در نینوا می‌دهد و سپس در هفت فصل روایت خود را از این داستان می‌گوید و در مؤخره به دو نمونه از اقتباس‌های این حماسه کهن ادبی اشاره می‌کند.

اهمیت این کتاب در ادبیات تطبیقی از چند جهت است: ۱. نویسنده استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه هاروارد است و علاوه بر مقاله‌های متعدد، صاحب چندین اثر در حوزه ادبیات تطبیقی و ادبیات جهان است؛ بنابراین نگاه او در هر اثری که خلق کند، نگاه یک تطبیق‌گر است؛ ۲. داستان گیلگمش از قدیمی‌ترین آثار ادبی مکتوب است که توسط آستن هانری لایارد کشف شد و دمراش فراز و فرودهای کشف این اثر را که مدت‌ها از نظرها پنهان بود، حکایت می‌کند و به این دلیل بر آن نام کتاب مدفون می‌نهد؛ ۳. دمراش در دیگر آثارش که از ادبیات جهان سخن می‌گوید، حتماً قسمتی را به گیلگمش اختصاص می‌دهد؛ چراکه این اثر را اولین شاهکار ادبیات جهان می‌داند؛ ۴. نویسنده در پایان کتاب به‌عنوان نتیجه، به دو رمان اقتباسی از این اثر می‌پردازد: یکی زیباییه و پادشاه از صدام حسین و دیگری آمریکایی بزرگ از فیلیپ راث<sup>۲</sup>. در این فصل نکاتی را مطرح می‌کند که حتی برای خواننده ناآشنا با ادبیات تطبیقی قابل درک است و چنان‌که خود او در پایان کتاب می‌گوید، این اثر را به سفارش فرزندان و برای آن‌ها نوشته است که حتی افراد غیرمتخصص هم از ادبیات تطبیقی و این داستان کهن ادبیات جهان لذت ببرند؛ ۵. مترجم این کتاب پژوهش‌ها و ترجمه‌های قابل توجهی در زمینه ادبیات تطبیقی دارد و برای

1. Austen Henry Layard

2. Philip Milton Roth

ترجمه این اثر، همان‌گونه که در مقدمه گفته، تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است.

**باسنت، سوزان (۱۴۰۲). ادبیات تطبیقی. ترجمه سعید رفیعی خضری، تهران: چشمه**

این کتاب که با عنوان *ادبیات تطبیقی به روایت سوزان باسنت* چاپ شده حاوی هفت فصل و پیش‌گفتار مفصلی است و عنوان انگلیسی کتاب «ادبیات تطبیقی: مقدمه‌ای انتقادی» است. نویسنده در پیش‌گفتار با مفهوم ادبیات تطبیقی دست و پنجه نرم می‌کند و با ارائه روایت‌های متعدد به چستی ادبیات تطبیقی و حضور انکارناپذیر ادبیات ملی در کنار آن می‌پردازد. سپس از ادبیات تطبیقی در فراسوی مرزها سخن می‌گوید و فصل سوم که جالب و بدیع است از تطبیق آثار ادبی در جزایر بریتانیا سخن می‌گوید و چون سال‌ها در انگلستان زندگی و تحصیل کرده و در دانشگاه‌های بریتانیا تدریس کرده است به نکات جالبی اشاره می‌کند که حائز اهمیت است. سپس به ادبیات تطبیقی پسااستعماری می‌پردازد و نگاه او به این نوع ادبیات متفاوت است و آن را سفری برای کشف می‌داند. فقط این بار به جای اینکه اروپاییان در جست‌وجوی ثروت و تصرف سرزمین‌های جدید باشند به سمت خودآگاهی پیش می‌روند. پس از بررسی چندین بن‌مایه در داستان‌ها و روایت‌های متعدد به ترجمه پژوهی می‌رسد و از آن به عنوان رشته اصلی که می‌تواند به بالندگی ادبیات تطبیقی کمک کند، یاد می‌کند. در پایان، کتاب واژه‌نامه انگلیسی - فارسی قابل توجهی دارد. زبان کتاب گویا و روان و مفید برای دانشجویان و پژوهشگران ادبیات تطبیقی است و خوشبختانه از ترجمه خوبی برخوردار است.

**مکی، الطاهر احمد (۱۴۰۲). گزیده‌ای بر مبنای سیر تکاملی و رویکردهای ادبیات تطبیقی. ترجمه سعید سواری و امینه سلیمانی، خوزستان: دانیال نبی**

این کتاب نشانی کلی از ادبیات تطبیقی در بردارد و نویسنده تعاریفی عام از مکاتب فرانسوی، آمریکایی و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ارائه داده است. مهم‌ترین بخش کتاب شاید فصل آخر آن باشد که به ادبیات تطبیقی خارج از مرزهای اروپا و آمریکا پرداخته است که البته باز هم با مشکل کلی‌گویی مواجه هستیم.

**شفق، اسماعیل (۱۴۰۳). غزل سعدی و غزلواره شکسپیر. تهران: مروارید**

نویسنده در مقدمه اذعان می‌کند که شکسپیر و سعدی به عنوان دو ابرانسان هنرمند نماینده شرق و غرب هستند و به‌مثابه دو قلّه بزرگ و شکوهمند غزل جلوه‌گری می‌کنند؛ از این‌رو، این پژوهش، مقایسه‌ای جایز و لازم است. سپس از نقد تطبیقی

سخن می‌گوید و آن را با ادبیات تطبیقی یکی می‌داند و با شک و تردید خاستگاه آن را به فرانسه ربط می‌دهد و در ایران پایه گذار آن را فاطمه سیاح معرفی می‌کند. در پایان این بخش با ارجاع به خبرگزاری مهر اذعان می‌کند که یکی از روسای جمهوری فرانسه (جمهوری پنجم) نام خود را به سعدی تغییر می‌دهد که این نشانه جهان‌شمولی شاعر ایرانی است.<sup>(۳)</sup> نویسنده آشنایی اروپاییان با سعدی را در قرن نوزدهم و ترجمه وی به انگلیسی می‌داند؛ درحالی‌که این شاعر ایرانی در قرن هفدهم توسط آندره دوریه<sup>۱</sup> به فرانسه ترجمه شد و به این صورت اروپاییان با گلستان آشنا شدند. مقایسه این دو شاعر با هم بسیار کلی صورت گرفته و در خیلی از موارد مانند آنچه گفته شد منبع موثقی ارائه نشده است. نویسنده با نگاهی جانبدارانه نسبت به سعدی که ایرانی است او را در جایگاه بالاتری درمقایسه با شکسپیر می‌بیند.

### نتیجه

کوشش ما بر این بود تا منابع موجود در ادبیات تطبیقی را معرفی کنیم تا برای پژوهشگران راهگشا باشد؛ اما تعداد زیاد منابع و فقدان تنوع و بی‌توجهی به کیفیت آثار این مشکل را پیش روی ما قرار داد که با انبوهی از آثاری مواجه شویم که نام ادبیات تطبیقی را یدک می‌کشند؛ اما یا تکرار کارهای قبل هستند یا به دلیل استفاده بیش از حد از منابع دست دوم از اصل موضوع فاصله گرفته‌اند. کارهایی که به صورت تألیف انجام شده جز چند مورد که به آن اشاره کردیم، تکراری، فاقد منابع معتبر و استانداردهای لازم هستند و علی‌رغم تعداد زیاد آن‌ها قابل ارجاع نیستند؛ به این معنا که کیفیت فدای کمیت شده است. در بسیاری از موارد نیاز به نگارش یک کتاب جدید نبوده است چون مشابه آن وجود داشته و نویسنده دست به تکرار زده است. در این جستار به تمام آثاری که در این حوزه چاپ شده، اشاره نکرده‌ایم؛ زیرا اکثر آن‌ها که در این دو دهه در حوزه ادبیات تطبیقی تعریف شده است یا پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی هستند که بی‌آنکه از سوی داوری متخصص در این حوزه بررسی شود، به چاپ رسیده یا فقط مقایسه‌هایی است بدون چهارچوب نظری که مشخص نیست بر چه پایه‌ای صورت گرفته است. بسیاری از این آثار به موارد تکراری و مشابه اشاره داشته‌اند و نوآوری صورت نگرفته است؛ بنابراین ضرورت و اهمیتی در صورت گرفتن بعضی از کارهای پژوهشی یافت نشد. تعداد زیادی از آن‌ها ارتباط میان ادبیات فارسی و عرب را دربرمی‌گیرد که به بعضی از آن‌ها اشاره شد؛ بنابراین با توجه به اینکه هر مقایسه‌ای الزاماً در حیطه ادبیات تطبیقی نمی‌گنجد، با احتیاط بیشتری به معرفی آثار پرداختیم. آنچه که مقایسه بین

دو شاعر یا دو موضوع در ادبیات فارسی است، در حوزه ادبیات تطبیقی نیست و فقط پژوهشی در حیطه ادبیات فارسی است. چراکه ادبیات تطبیقی بین دو فرهنگ و ادبیات صورت می‌گیرد تا پل ارتباطی باشد بین دو ملت و تطبیق‌گر همچون سفیری برقرارکننده این ارتباط است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. نویسنده: دکتر عبده عبود، ترجمه: تورج زینی‌وند، محسن امیری، منا سرخه، ادبیات تطبیقی: چالش‌ها و افق‌های فرارو، انتشارات دانشگاه رازی، ۱۴۰۱. (به متن کتاب دسترسی پیدا نکردیم)
۲. نویسنده: پیربرونل، مترجم: امان‌الله ترجمان، عنوان: *ادبیات تطبیقی چیست؟* انتشارات پرشکوه، ۱۳۹۴ (طی صحبتی که با مترجم که مدیر مسئول انتشارات پرشکوه است، انجام شد متوجه شدیم وی هنوز اقدام به چاپ اثر نکرده است).
۳. این رئیس جمهور فرانسه که نام وی «سعدی کارنو» است از ابتدای تولد این گونه نامیده شده و این نام توسط پدر و پدربزرگش که علاقه‌مند به اشعار سعدی بودند، برای او تعیین می‌شود. وی در سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌زیسته و مربوط به جمهوری سوم فرانسه است و نه پنجم.

## منابع

- آذر، امیراسماعیل (۱۳۹۰). *حافظ در آن سوی مرزها*. تهران: انتشارات سخن.
- ابوالوی، ممدوح (۱۳۸۵). *پژوهش تطبیقی: تاثیر داستایوفسکی در ادبیات عرب*، مترجمین علی نظری، علی عزیزنیا، انتشارات دانشگاه لرستان.
- ارباب، شیرانی (۱۳۹۷). *سعید. اشکال یک اسطوره (گونه‌گونی شخصیت ادبی حضرت یوسف)*، مترجم مجدالدین کیوانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- اسالیوان، ایمر (۱۳۹۸). *ادبیات تطبیقی کودکان*، مترجمین مریم جلالی، محبوبه فرهنگی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اسپیواک، گایاتری چاکراورتی (۱۳۹۹). *مرگ یک رشته*، مترجمین اسماعیل نجار، مسلم آیینی، سارا سلیمانی، نیکی نصیری، انتشارات مهراندیش.
- اصطیف، عبدالنبی (۱۳۹۵). *ادبیات تطبیقی در جهان عرب*، مترجم حجت رسولی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- البدیری، علی‌مجید (۱۴۰۰). *ادبیات تطبیقی مبانی و کاربردها*، مترجم معصومه نعمتی قزوینی، تهران: انتشارات سفیر قلم.
- الطائی، عباس (۱۴۰۱). *ادبیات تطبیقی*، مترجم ابراهیم بیجاری، خرمشهر: انتشارات حبر البیان.
- الیوت، کاملیا (۱۳۹۴). *بازاندیشی مباحث رمان و فیلم*، مترجم فرزانه سجودی و همکاران، تهران: نشر بنیاد سینمایی فارابی.
- امین مقدسی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *ادبیات تطبیقی با تکیه بر مقارنه ملک الشعرا بهار و امیرالشعرا احمد شوقی*، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- انوشیروانی، علی‌رضا (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران». ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۱: ۲، صص. ۳۲-۵۵.
- انوشیروانی، علی‌رضا (بهار و تابستان ۱۳۹۸). «ناسامانگی ادبیات تطبیقی در ایران». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹: ۱، صص. ۸۱-۱۱۲.
- انوشیروانی، علی‌رضا (بهار و تابستان ۱۴۰۲). «فاطمه سیاح و ادبیات تطبیقی در ایران: تأملی دیگر». *مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی*، ۳: ۱، صص. ۲۹۴-۲۶۱.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله؛ امامی، محمد؛ عابدی، مجتبی (۱۳۹۳). *کتاب‌شناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران*. تهران، علم و دانش.
- باسنت، سوزان. *ادبیات تطبیقی*، مترجم سعید رفیعی خضری، تهران: نشر چشمه.
- بزرگ‌چمی، ویدا (بهار ۱۳۹۰). «پایان‌نامه‌های ادبیات تطبیقی در ایران» *ادبیات تطبیقی* (ویژه‌نامه)

فرهنگستان)، ۲: ۱ (پیاپی ۳)، صص. ۱۴۶-۱۷۶.

بزرگ‌چمی، ویدا (بهار و تابستان ۱۳۹۱). «کتاب‌شناسی کتاب‌های ادبیات تطبیقی در ایران». *ادبیات تطبیقی* (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ۳: ۵، صص. ۱۰۱-۱۲۴.

بکار، یوسف. الشیخ، خلیل. *ادبیات تطبیقی: مکاتب، رویکردها و نمونه‌های از ادبیات ملل*، مترجمین هومن ناظمیان، سید عبدالله حسینی، تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی، ۱۴۰۱.

پیرانی، منصور (۱۳۸۴). «ادبیات تطبیقی و سیر آن در ایران». پایان‌نامه دکتری به راهنمایی سیروس شمیسا، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، رشته زبان و ادبیات فارسی.

پیرانی، منصور (۱۴۰۰). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی، خواستگاه، مبانی و چالش‌ها*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

تاوارانی، ناهوگو (۱۳۸۵). *ادبیات تطبیقی مار و کاج: سمبل‌های جاودان در ادبیات فارسی و ژاپنی*، تهران: انتشارات بهجت.

جمال‌الدین، محمد سعید (۱۳۸۹). *ادبیات تطبیقی: پژوهش تطبیقی در ادبیات عربی و فارسی*، مترجمین حسین کیانی، سعید حسام‌پور، انتشارات دانشگاه شیراز.

جوهری، سجاد (۱۴۰۰). *تاثیر و تاجر ادبیات تطبیقی در ادبیات فارسی*، تبریز: آزادی قلم.

حاجتی، سمیه (۱۳۹۷). *خوانش پسااستعماری رمان*، تهران: انتشارات ماه و خورشید.

حمود، ماجد (۱۳۹۰). *رویکردهای کاربردی در ادبیات تطبیقی*، مترجم مجتبی شاهسونی، تهران: نشر روزگار.

خضری، حیدر (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «کتاب‌شناسی کتاب‌های نظری ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی و ایران از آغاز تا سال ۱۳۹۱ ه.ش». *ادبیات تطبیقی* (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ۱۲: ۴، صص. ۱۷۸-۱۴۷.

دادور، ایلمیرا (۱۳۸۸). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*، تهران: انتشارات سمت.

دادور، ایلمیرا (۱۳۹۰). *تصویر شناسی*، تهران: انتشارات سمت.

دادور، المیرا (۱۳۹۸). *نقش ترجمه ادبی در ادبیات تطبیقی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

دادور، ایلمیرا (۱۴۰۱). *ادبیات تطبیقی: نقد و نظر*، تهران: انتشارات خاموش.

دماش، دیوید (۱۴۰۲). *کتاب مدفون*، مترجم مصطفی حسینی، تهران: انتشارات نیلوفر.

دومینگز، سزار (۱۳۹۹). ساسی، هان. ویلانووا، داریو. *درآمدی بر ادبیات تطبیقی، جریان‌ها و کارکردهای نوین*، ترجمه مسعود فرهمندفر، روشنک اکرامی، تهران: انتشارات سیاه‌رود.

- دیوید سن، الگا (۱۳۸۰). *ادبیات تطبیقی و شعر کلاسیک فارسی (هفت مقاله)*، مترجم فرهاد عطایی، تهران: انتشارات فروزان روز.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *کتابشناسی توصیفی ادبیات تطبیقی*، تهران: انتشارات طهورا.
- زینی‌وند، تورج (۱۳۹۵). *به سوی نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی*، تهران: انتشارات یار دانش.
- ژون، سیمون (۱۳۹۰). *ادبیات عمومی و ادبیات تطبیقی رساله راهبردی*، ترجمه حسن فروغی، تهران: انتشارات سمت.
- ساجدی، طهمورث (۱۳۸۹). *تاریخ ایرانشناسی در فرانسه*، تهران: انتشارات سفیر اردهال.
- ساجدی، طهمورث (۱۳۹۰). *از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی (مجموعه مقالات)*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سالمن پراور، زیگبرت (۱۳۹۳). *درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی (با اصلاحات)*، مترجمین علی‌رضا انوشیروانی، مصطفی حسینی، انتشارات سمت.
- سرخ، رحیم (۱۳۹۷). *نقدی بر ادبیات تطبیقی*، تهران: انتشارات آموزشی و پژوهشی بوعلی.
- شفق، اسماعیل (۱۴۰۳). *غزل سعدی و غزلواره شکسپیر*، تهران: انتشارات مروارید.
- شورل، ایو (۱۳۸۶). *ادبیات تطبیقی*، ترجمه طهمورث ساجدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صالح‌یک، مجید (زمستان ۱۳۸۷). *ادبیات تطبیقی در ایران: پیدایش و چالش‌ها، زبان و ادبیات فارسی*، ۱۲: ۳۸، صص.
- ۹-۲۸.
- عزیزی، محمدرضا (۱۳۹۶). *متن پنهان غزلیات حافظ*، تهران: انتشارات زوار.
- غنی، سیروس (۱۴۰۰). *شرقیات شکسپیر*، مترجم مصطفی حسینی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- فارسیان، محمدرضا (۱۳۹۹). *قادر، فاطمه. آبر کامو در ایران*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- فرهنگی، سهیلا (۱۴۰۱). *کلیات ادبیات تطبیقی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- فریدریش، ورنر پاول. ملون، دیوید هنری (۱۳۸۸). *چشم‌انداز ادبیات تطبیقی غرب: از داتنه تا یوجین اونیل*، مترجم نسرین پروینی، تهران: انتشارات سخن.
- قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۶). *همزیستی ادبیات تطبیقی و نظریه‌های ادبی*، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی (پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر روایی)*، مترجم سید حسین سیدی، تهران: انتشارات به نشر.
- کمالی، محمد جواد (۱۳۹۵). *تاثیر ادبیات فارسی بر ادبیات فرانسه*، مشهد: انتشارات نگاران سبز.
- لطفاتی، رویا. معظمی‌فراهانی، بیتا (۱۳۹۸). *ادبیات تطبیقی در نوسان*، تهران: انتشارات سمت.

مارچتیچ، آدریانا (۱۴۰۱). *پس از ادبیات تطبیقی*، ترجمه مسعود فرهمندفر، پگاه فرهنگ مهر، تهران: انتشارات مروارید، پایی.

ماه وان، فاطمه (۱۳۹۵). *شاهنامه نگاری؛ گذر از متن به تصویر*، تهران: انتشارات معین.

محسنی نیا، ناصر (۱۳۹۳). *ادبیات تطبیقی در جهان معاصر (کلیات، مبانی نظری، مکاتب)*، تهران: انتشارات علم و دانش.

محمدی، ابراهیم (۱۳۸۹). *مبانی نظری ادبیات تطبیقی (فارسی - عربی)*. بیرجند: انتشارات قهستان.

مکی، الطاهر احمد (۱۴۰۲). *گزیده‌ای بر مبانی سیر تکاملی و رویکردهای ادبیات تطبیقی*، مترجمین سعید سواری، امینه سلیمانی، خوزستان: انتشارات دانیال نبی.

ناصری، فرشته (۱۳۹۸). *تبیین مولفه‌های ادبیات تطبیقی*، تهران: انتشارات تخته سیاه.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۴). *آئینه آب*، تهران: انتشارات همشهری.

نامور مطلق، بهمن. کنگرانی، منیژه (۱۳۸۹). *دانش‌های تطبیقی*، انتشارات سخن.

نامور مطلق، بهمن (۱۴۰۱). *ادبیات تطبیقی: مفاهیم، مکاتب، انواع و پیکره‌ها*، تهران: انتشارات لوگوس.

ندا، طه (۱۳۹۴). *ادبیات تطبیقی*، مترجم حجت رسولی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

ندا، طه (۱۳۹۳). *ادبیات تطبیقی*، مترجم زهرا خسروی، تهران: نشر فرزانه روز، چاپ اول ۱۳۸۰، چاپ‌های بعد ۱۳۸۳.

ندا، طه (۱۳۸۳). *ادبیات تطبیقی*، مترجم: هادی نظری منظم، تهران: نشر نی.

ولک، رنه. وارن، آستین. *نظریه ادبیات*، مترجمین ضیاء موحد، پرویز مهاجر، تهران: انتشارات نیلوفر.

ولک، رنه (۱۳۹۹). *روایت رنه ولک از ادبیات تطبیقی*، مترجم سعید رفیعی خضری، تهران: نشر چشمه.

هاچینسون، بن (۱۴۰۱). *ادبیات تطبیقی در آمدی خیلی کوتاه*، مترجم ابوالفضل حرّی، انتشارات لوگوس.

یوست، فرانسا (۱۳۹۷). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*، مترجمین علیرضا انوشیروانی، لاله آتشی، رقیه بهادری، انتشارات سمت.

چهارمین کنفرانس ملی مطالعات انگلیسی (آموزش و یادگیری، ادبیات و ترجمه) (۱۳۹۶). اهواز، بهمن.

## Descriptive Bibliography of Comparative Literature 2001-2025

Hamideh Lotfinia<sup>1</sup>, Minoo Mortezaee<sup>2</sup>

### Abstract

This study examines the status of comparative literature sources in Iran, as the credibility and up-to-dateness of sources play a crucial role in the quality of scientific research. With the global expansion of comparative literature in the world and the continuous production of works in this field, researchers are faced with the challenge of evaluating sources, especially in Iran, where the abundance of books and articles with comparative titles does not necessarily mean scientific credibility. Therefore, having a clear theoretical framework and research methodology is essential for being positioned within the field of comparative literature. This study reviews and criticizes works published between 2001 and 2025 (1380 and 1404 in the Iranian calendar), highlighting how quantity sometimes outweighs quality. The purpose of this research is also to assist in identifying reliable sources, avoiding repetition and explain the importance of original sources and translations so that researchers in this field can become familiar with the most important publications in this field before conducting research.

**Keywords:** Comparative literature, research, Descriptive bibliography, sources

1. PhD in comparative literature, resercher at the Association for the Promotion of the Persian Language and Membership of the International Comparative Literature Association «ALITHILA» at The University of Lille, France hamideh.lotfinia@gmail.com
2. PhD student in Persian Language and literature, Department of persian language and literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran minoomortezaee@gmail.com

#### How to cite this article:

Hamideh Lotfinia, Minoo Mortezaee. "Descriptive Bibliography of Comparative Literature 2001-2025". *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 5, 2, 2025, 347-386. doi: 10.22077/islsh.2025.9229.1631



Copyright: © 2025 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).